

ماہنامہ زرتشتیہ

تشریح مرکز زرتشتیہ، کالیفرنیا

ازدیشنگ

کردینک

کفتارنیک



ویروز ۱۳۹۷

محبت و سرور

The Zoroastrian Journal

بهار ۳۷۵۶ زرتشتی ۱۳۹۷ خورشیدی ۲۰۱۸ میلادی

شماره ۳۱

سخن نخست

سخن نخست

از: نسرين اردیبهشتی

جشن نوروز دیگری از راه میرسد و با پیام بهاری خود ما را بیشتر از هر زمان دیگر به یاد گذشته ها و مراسم و جشن های زیبای آن می اندازد. راستی که زمان چه زود میگذرد. سالهای عمر است که به سرعت یکی پس از دیگری سپری می شوند.

در سالهای اخیر جنگهای خاورمیانه و آوارگی فراریان جنگ به سراسر دنیا که همه سبب های آن را دین می پندارند بسیار اسفناک بوده است که مهره ننگی بر پیشانی بشریت است. همچنین شاهد تغییرات و تحولات جوی و جغرافیایی دنیا چه به سبب جنگ ملت ها و چه بر اثر رویدادهای طبیعی بوده ایم. با استفاده از اسلحه در کشتار دسته جمعی بسیاری از افراد بیگناه در همه نقاط دنیا به دست دیوانگان مذهبی و غیرمذهبی ارزش زندگی آدمی را بسیار پایین آورده است.

گویا اخبار کشتارانسانها، دیگر چیزی عادی شده است. در سالهای اخیر تحول و پیشرفت سریع تکنولوژی بر زندگی روزانه انسان ها و ارتباط آنها با یکدیگر تاثیر فراوانی داشته است. آیا آخرین باری را که خود قلم به دست گرفتید و نامه ای برای دوستی نوشتید را به خاطر می آورید؟ جوانان ما دیگر خطی برای نوشتن ندارند. آنها با استفاده از تکنولوژی نو با هم تماس میگیرند که خود بر روح و روان آنان تاثیر گذار است.

در آستانه نوروزکهن و سال نو بیاید دست هایمان را به سوی اهورامزدا بلند کنیم و از او بخواهیم که مردم گیتی را در سهل و آرامش نگه دارد. از او بخواهیم که در دل انسانها محبت و عشق بکارد تا از انتقام و کینه به دور باشند. از او بخواهیم تا در بین ملت ها دوستی و همزوری رواج دهد تا از جنگ و ستیز و کشتار مردم بی گناه که بازپچه دست مشتی مردان قدرتمند و سنگدل شده اند رهایی یابند.

از او بخواهیم که به انسان یاری دهد تا از خرد خود بهره ببرد و با پیروی از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک دنیایی پر از صلح و آرامش بسازد.

نوروز بر شما فرخنده باد

ایدون باد

درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند خواهشمندیم چک های یارانه ای خود را به نشانی

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave, Westminster, CA, 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک "چیس" رفته یارانه خود را به شماره

حساب 421-334675-6

بریزند.

California Zoroastrian Center

Zoroastrian journal

Chase bank

6-334675-421 Account #

مهرافزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا





نوروز از: بابک مهر

ای اهورامزدا شادیهای زندگی که بوده و هست و خواهد بود از تو است، آنها را در پرتو مهر و بخشایش خویش، به ما ارزانی دار.

پروردگارا، خوشبختی و شادی ما را در این جهان به یاری نیک اندیشی، راستی و نیروی اراده افزون ساز

یسنا 33 بند 10

برچهره گل نسیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دل افروز خوش است

خیام موفقیت ها و پیروزی های هر ملت و کشوری نتیجه دلخوشی ها و امیدواری آنها به زندگی است از این رو نیاکان ما ایرانیان با خرد و ژرفنگری که بر اوضاع جهان و روان شناختی افراد بشرداشته اند، پیوسته در تلاش زدودن غم از دل همدیگر بوده و شادیهای را سر چشمه لطف خداوند و کار و تلاش بیشتر برای زندگی و آبادانی کشور و جهان می دانستند. در نتیجه سعی در برگزاری هر چه بیشتر جشن ها در این سرزمین اهورایی نموده و بدین مناسبت به غیر از جشن های شخصی مانند عروسی ها، جشن تولد و سدره پوشی، سالیانه بیش از 23 جشن دیگر در کشور برگزار می نمودند. از جمله این جشنها یکی هم عید نوروز است که از ارزشی بس سترگ و استوار برخوردار بوده

و هست که از هزاران سال پیش تا کنون در سرزمین های ایرانی نشین و حتی به همراه ایرانیان مهاجر دور از میهن به نقاط جهان سفر کرده و در آن دیارها هم بر کرسی عزت و احترام نشسته است. سعدی نوروز را چنین وصف می نماید.

برآمد باد صبح و بوی نوروز

به کام دوستان و بخت

پیروز

مبارک بادت این سال و همه سال

همایون بادت این

روز و همه روز

نوروز یاد آور بخشی از خاطرات دیرینه وجدان تاریخی و هویت ملی و دینی

ماست و چون منشوری چند وجهی بازتاب دهنده سنت ها، باورها و اعتقادات ملی و دینی ما از یک سو و پیوند های تاریخی ما با بسیاری از اقوام و ملل پیرامونی از سوی دیگر است، و در این زمینه طیفی گسترده از جوامع گوناگون راه از چین در شهر تا بالکان در غرب در برمیگیرد که هر ساله در آغاز نوروز (روز نو) در طبیعت گرد و غبار و زنگار از جان، دیده، جامعه و خانه خویش می زدایند و پیوند ها را تازه می کنند و خون پیوستگی و دوستی و مهر را از روزگاران کهن در رگهای زندگی جمعی خویش به جریان می اندازند و هر قوم و ملتی در

نبخش و شیرین

در گذشتگان میروند و با خیرات روح آنان را شاد می نمایند تا از آنان راضی باشند.

۳- بر تخت نشستن جمشید در نوروز، طبق نوشته مورخین جمشید شاه بعد از اینکه اوضاع جهان و مردمان را سر و سامان داد در این روز بر تخت نشست.

۴- تولد و رسالت اشوزرتشت پیامبر ایران باستان در این روزها انجام گردیده که با ارائه سه اصل اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک جهان را وامدار خویش ساخت.

حدیثی نقل می کنند "یک سینی حلوا و شیرینی به نزد رسول خدا (ص) آوردند. حضرت پرسید این چیست و به چه مناسبت است. در پاسخ گفتند هدیه از ایران و به مناسبت جشن بزرگ ایرانیان نوروز است. سپس حضرت فرمودند: بله در این روز خداوند مردگان را زنده کند و ابرها پر باران شود پیامبر از آن حلوا تناول فرمودند و مابقی را میان اصحاب تقسیم کردند". زنده یاد دکتر علی شریعتی درباره نوروز چنین مینویسد:

نوروز، این پیری که غبار قرون های بسیار بر چهره اش نشسته است. در طول تاریخ کهن خویش، روزگاری در کنار مغان، آورد مهرپرستان را خطاب به خویش می شنیده است و پس از آن در کنار آتشکده های زرتشتی سرود مقدس موبدان و



چهارچوب

ایرانیان برای افروختن چراغ آداب و ترتیبی خاص خود این سنت دیرینه و آیینهایش را به جای می آورند و به زبان جان و دل خویش بدون این که حاکمان از آنان بخواهند، بلکه این ملت ها بودند که در طول تاریخ آنان را به دنبال خود برای هر چه باشکوهتر برگزار نمودند. باورهای شادی آفرین خود همراه می نمودند زیرا نوروز و

۱- جشن پایان آفرینش، از آنجا که در فلسفه و آیین ایرانیان و کتب مقدس آن آفرینش جهان در ۶ مرحله انجام گردیده آخرین آن خلقت انسان است که در نوروز آفریده شد.

۲- ورود فرارهای در گذشتگان یا ارواح در این ایام جهت دیدار از بازماندگان و بررسی احوال آنان بدین مناسبت است، که در جمعه آخر سال را هم میهنان مسلمان بر سر آرامگاه

آیینهایش را به جای می آورند و به زبان جان و دل خویش بدون این که حاکمان از آنان بخواهند، بلکه این ملت ها بودند که در طول تاریخ آنان را به دنبال خود برای هر چه باشکوهتر برگزار نمودند. باورهای شادی آفرین خود همراه می نمودند زیرا نوروز و بهار فصل تلقین سبکبالی و سبکباری است.

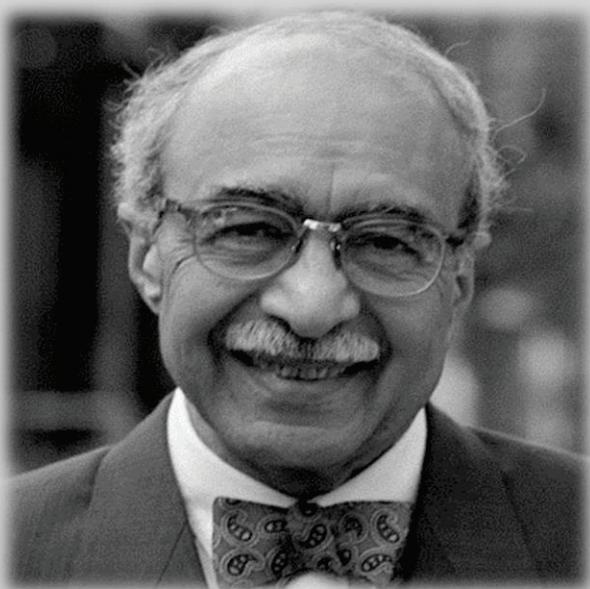
فصل مصمم شدن دوباره برای زندگانی توام با صفا و آرامش است این روابط دیرپای اساطیر دلنشین ایرانی و افسانه های جا



دکتر فرهنگ مهر

رئیس پیشین دانشکده پهلوشیراز

برگرفته از نامر نامرداد



فرهنگ مهر نماینده پیشین ایران در سازمان اوپک و از کنشگران هازمان زرتشتی ایران به دلیل بیماری در کالیفرنای آمریکا در سن ۹۴ سالگی درگذشت. بوذرجمهر پرخیده، تاریخ‌پژوه زرتشتی درباره او می‌گوید: روانشاد فرهنگ مهر به همراه موبد رستم شهزادی، رستم پارکی، دکتر رستم صرفه از بنیادگذاران مجله هوخت بود و در فروردین ماه ۱۳۲۹ خورشیدی نخستین شماره این نشریه را منتشر کردند. پرخیده می‌افزاید: از او کتاب و آفرینه‌های (آثار) نوشتاری بسیاری مانند کتاب "دیدنی نواز دینی کهن"، "نقش زرتشتیان در انقلاب مشروطیت" و نیز ترجمه کتاب "نظریه تاریخ اقتصاد" به جا مانده است. روانشاد فرهنگ مهر در زمان نخست‌وزیری امیر عباس هویدا،

مدتی معاون نخست وزیر بود و در پی اختلاف نظریه گزارش بی‌بی‌سی فارسی: فرهنگ مهر که دانش‌آموخته اقتصاد و علوم سیاسی در ایران و بریتانیا بود، پیش از انقلاب ایران مدت‌ها در زمینه‌های اجرایی، مدیران ارشد وزرات امور اقتصادی و دارایی و وزارت بازرگانی ایران به شمار می‌آمد و به عنوان هموند ارشد تیم مذاکره‌کننده ایران با قدرت‌های جهانی بر سر تعیین قیمت نفت در آن سال‌ها شناخته می‌شد. تارنمای بیمه ایران از دکتر فرهنگ مهر در سمت ریاست هیات مدیره و مدیرعامل بیمه‌ی ایران از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۰ خورشیدی نام برده است. همچنین در زمان ریاست وی، نخستین دوره آموزش بیمه‌ای عمران منطقه‌ای اکو (ایران، ترکیه، پاکستان) در سال ۱۳۴۸ خورشیدی برگزار شد. به گفته‌ی بوذرجمهر پرخیده، او استاد اقتصاد در مدارس عالی و دانشگاه‌ها و آخرین سمت او پیش از انقلاب ریاست دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی، بود. روانشاد مهر پس از انقلاب چندی در ایران ماند ولی سرانجام

از ایران رفت و سال‌ها در دانشگاه بوستون آمریکا و هم‌چنین در دانشگاه پنسیلوانیا در رشته روابط بین‌الملل تدریس کرد. دکتر مهر هنگام برگزاری کنگره جهانی زرتشتیان در تهران به ایران بازگشت و در دیدار دسته‌جمعی زرتشتیان با رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ایشان ملاقات کرد. همچنین محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری پیشین ایران، در جریان سفرهای خود به آمریکا چندین بار با فرهنگ مهر دیدار داشت. فرهنگ مهر از معدود زرتشتیان ایرانی بود که به مقامات بالایی اجرایی در دولت دست یافته است، روزگاری فرنیس انجمن زرتشتیان تهران را بردوش داشت، او همچنین لوح و شال بالاترین خدمات به دین و هازمان زرتشتیان را از سوی سازمان جهانی زرتشتیان دریافت کرده است. پرخیده در پایان می‌گوید: دکتر فرهنگ مهر از خانواده‌ای بود که برادرش بوذرجمهر مهر آخرین نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بود. پدرش مهربان مهر دستیار و همه‌کاره ارباب کیخسرو شاهرخ بود و تا پایان عمر کارپردازی مجلس شورای ملی را بر دوش داشت. نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا درگذشت روانشاد دکتر فرهنگ مهر را به خانواده‌ی ایشان و همکیشان آرامش‌باد می‌گوید.

از جشن سده ذکری نیست، و این بسیار شگفت آور است اگر نوروژ، مهرگان و جشن سده ایرانی بود باید به نحوی در اوستا از آن یاد میشد و چنین نیست و تایید و تا پایان دوره اوستایی نیز اشاره ای بدانها وجود ندارد و به احتمال بسیار این جشنها به ویژه نوروژ و مهرگان که به اعیاد اقوام بزرگ میماند نه گله داری بایست در نجد ایران بوده باشند و به پیش از تاریخ گردند و آن اقوام بومی این سرزمین اجدادی غیر آریایی ما باشند. در زمان هخامنشیان در تخت جمشید در آغاز سال نو مراسم بزرگ و باشکوهی برگزار می شده است.

در این مراسم شاهنشاه نمایندگان اقوام و ملت‌ها را به حضور می‌پذیرفت و هدایایی از سوی آنان دریافت یا به آنها اهدا می نمود. کهن‌ترین اشاراتی که درباره نوروژ در دست است همان است که به جمشید شاه نسبت میدهند که به یک مورد از آن اشاره می‌نمایم.

حکیم طوس فردوسی نامدار در شاهنامه چنین بیان می‌فرماید: جهان انجمن شد بر تخت او شگفتی فرومانده از بخت او به جمشید بر، گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند سر سال نو هر مز فرودین بر آسود از رنج تن، دل زکین

زمزمه حیات بخش اوستا و سروش اهورامزدا را به گوش می خواندند. رسالت بزرگش عشق و وفاداری و مهر و دوستی و صمیمیت و زدودن زنگار از سیما و دل این ملت در آمیختن روح مردم این سرزمین بلاخیز با روح شاد و جان بخش طبیعت و ژرف تر و بزرگتر پیوند دادن، نسل های متوالی این قوم که بر سر چهارراه حوادث تاریخ نشسته و همواره تیغ جلادان بند بندش را از هم گسسته است و نیز پیمان یگانگی بستن میان همه دل‌های خویشاوندی که دیوار عبوس و بیگانه دوران‌ها در میانشان می گشته بوده و هست.

تاریخچه جشن نوروژ

تعیین تاریخ دقیق برگزاری عید نوروژ مشکل است چراکه به دلیل در دست نبودن آثار مکتوب ایران باستان تعیین تاریخ درست مقدور نمی باشد. اما برخی از آثارها و شواهد نشان می‌دهد که عید نوروژ در میان ایرانیان بومی که قبل از مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران در این سرزمین می زیسته اند متداول و مرسوم بوده است.

روانشاد استاد مهرداد بهار در کتاب (پژوهشی در اساطیر ایران) درباره تاریخ جشن نوروژ، آن را متعلق به زمانی پیش از تاریخ میدانند و مینویسد، در اوستا سخنی از نوروژ و جشن مهرگان و جشن سده در میان نیست. در متون میانه نیز از نوروژ و مهرگان یاد میشود



جشن های ایرانی در تقویم رسمی ایران

چند سال است که به دنبال آشنایی گروه های مختلف مردم با جشن های ایرانی، علاقه مندان به برگزاری این جشن ها با دوگانگی در زمان برگزاری آنها روبرو شده اند. برای نمونه، کسانی زمان درست جشن اسفندگان را ۲۹ بهمن ماه و گروهی دیگر زمان درست برگزاری اسفندگان را پنجم اسفندماه می دانند. گروه نخست بر این باورند که جشن ها باید مطابق با "تقویم راستی" که همه ماه هایش ۳۰ روزه است برگزار شود و تاکید می کنند که این تقویم از اصالت و قدمت زیادی برخوردار است و طی قرن ها حفظ شده تا امروز به دست ما رسیده و گروه دیگر استدلال می کنند که جشن های ایرانی باید طبق تقویم رسمی کشور که بنیان علمی دارد و همه ایرانیان با هر دین و باوری به آن مراجعه می کنند یا همان تقویمی که در آن شش ماه نخست سال ۳۱ روز و شش ماه دوم ۳۰ روزه (اسفندماه ۲۹ یا ۳۰ روز) است، برگزار شوند. این نگارنده که از باورمندان به دیدگاه دوم است، در تبیین آن نگاهی خواهد داشت به تاریخچه و برتری های گاه

شماری رسمی کشور نسبت به گاه شماری های دیگر و اهمیت آن در تعیین دقیق زمان جشن های ایرانی، و سپس دیدگاه شماری از پژوهشگران و اندیشمندان را در این باره، بازمی نماید. تاریخچه گاه شماری رسمی کشور و ویژگی های آن گاهشماری یک دانش است و برجسته ترین ویژگی دانش این است که پویاست و همگام با زمان و گسترش دانسته های بشر رشد کرده، تکامل یافته و روزآمدتر و کارآمدتر می شود.

بر این پایه، گاهشماری رسمی کشور که حاصل بازننگری ها و مطالعات اصلاحی در تقویم های رایج پیشین در ایران از جمله تقویم یزدگردی، تقویم جلالی و تقویم هجری برجی است، دست آورد ارزشمند علمی ایرانیان است و پاسداشت آن بر همه ایرانیان بایسته است. گاهشماری رسمی کشور، خورشیدی است در این گاهشماری ملاک تعیین سال یک بار چرخش زمین به دور خورشید است. پیش از آن که گاهشماری خورشیدی فعلی در ایران رسمی شود، گاهشماری هجری خورشیدی

برجی در ایران متداول بود. آن گاهشماری را برای نخستین بار " عبدالغفارخان منجم الدوله اصفهانی" معلم ریاضیات

اصلاحات موثر و لازم و انطباق دقیق تر آن با دانش گاهشماری به جای گاهشماری خورشیدی برجی به تصویب رسید و رسمیت یافت. در این گاهشماری طول ماه ها در شش ماه نخست سال ۳۱ روز بود. چنان که گفته شد، برترین ویژگی گاهشماری رسمی کشور مصوب ۱۳۰۴ خورشیدی، این است که همه ویژگی های برجسته گاهشماری های پیش از خود را دربر گرفته و با بازننگری های لازم با دانش گاهشماری و نیازهای جامعه انطباق کامل یافته و به عنوان دقیق ترین تقویم جهان، یکی از سرمایه های ملی ایرانیان شناخته می شود. بر بنیان دانش گاهشماری، سال در تقویم رسمی ایران، سال خورشیدی اعتدالی یا فصلی یا طبیعی نامیده می شود.

دارالفنون با اقتباس از گاهشماری جلالی در سال ۱۲۶۴ خورشیدی استخراج کرد و نام برج های آن بر پایه نام برج های ۱۲ گانه فلکی و طول برج ها بین ۲۹ تا ۳۲ روز متغییر بود. آن گاهشماری در سال ۱۲۸۹ خورشیدی در مجلس شورای ملی به عنوان گاهشماری رسمی ایران تصویب شد. سپس در سال ۱۳۰۴ خورشیدی و با کوشش بزرگانی همچون "ارباب کیخسرو شاهرخ" نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، گاهشماری هجری خورشیدی بر پایه مبانی گاهشماری جلالی اما با

اصلاحات موثر و لازم و انطباق دقیق تر آن با دانش گاهشماری به جای گاهشماری خورشیدی برجی به تصویب رسید و رسمیت یافت. در این گاهشماری طول ماه ها در شش ماه نخست سال ۳۱ روز بود. چنان که گفته شد، برترین ویژگی گاهشماری رسمی کشور مصوب ۱۳۰۴ خورشیدی، این است که همه ویژگی های برجسته گاهشماری های پیش از خود را دربر گرفته و با بازننگری های لازم با دانش گاهشماری و نیازهای جامعه انطباق کامل یافته و به عنوان دقیق ترین تقویم جهان، یکی از سرمایه های ملی ایرانیان شناخته می شود. بر بنیان دانش گاهشماری، سال در تقویم رسمی ایران، سال خورشیدی اعتدالی یا فصلی یا طبیعی نامیده می شود.

دارد. برای مثال نقطه اعتدال فروردین مبدا فصل بهار طبیعی و نقطه اعتدال مهر مبدا فصل پاییز طبیعی است و انقلاب تیر نقطه مبدا فصل تابستان و انقلاب دی نقطه مبدا فصل زمستان است. به سخن ساده تر اول فروردین آغاز بهار، اول تیر آغاز تابستان، اول مهر آغاز پاییز و اول دی آغاز زمستان است. نکته مهم و بسیار قابل توجه در این گاهشماری که نشان از دقت کم نظیر آن دارد این که در نیم کره شمالی زمین، مدت فصل های گرم سال یعنی بهار و تابستان در مجموع تقریباً ۱۸۶ شبانروز است یعنی فصل بهار حدود ۸/۹۲ روز و فصل تابستان حدود ۶/۹۳ روز است. مدت فصل های سرد سال یعنی پاییز و زمستان نیز ۱۷۹ شبانروز است یعنی فصل پاییز حدود ۷/۸۹ شبانروز و فصل زمستان حدود ۸۹ شبانروز است.

پس تابستان طولانی ترین فصل سال و زمستان کوتاه ترین فصل سال است. به این ترتیب طبق قانون طبیعت، در گاهشماری خورشیدی رسمی هر سال در حدود ۳۶۵ شبانروز است که به چهار فصل و هر فصل به سه ماه تقسیم می شود؛ پس به طور طبیعی و روشمند در فصل های گرم یعنی بهار و تابستان مدت ماه ها ۳۱ روز و مدت ماه در





فصل های سرد سال، پنج ماه ۳۰ شبانروزی و یک ماه ۲۹ شبانروزی (در سال کیسه ۳۰ شبانروز) خواهد بود و آغاز فصول کاملاً بر آغاز ماه های فروردین، تیر، مهر و دی منطبق است. در این گاهشماری، مفهوم "ماه" به معنای دوره‌ای معین برای شمارش روزها و نه به معنای "قمر" است. اگرچه گاهشماری کنونی ایران از سال ۱۳۰۴ خورشیدی با تصویب مجلس شورای ملی رسمی شد اما پژوهش های تاریخی نشان می دهد که پیشینه این روش گاهشماری و استفاده از ماه های ۳۱ روزه در گاهشماری خورشیدی بسی کهن تر است و به دوره صفوی و اصلاحاتی که "فتح الله شیرازی" منجم سلسله بایری هند در گاهشماری جلالی انجام داد، بازمی گردد.

اکبر، سومین و بزرگترین پادشاه بایری، نخستین پادشاهی است که در زمان او ابداع گاهشماری برگرفته از ارکان گاهشماری یزدگردی (از جمله نام ماه های سال و نام روزهای ماه) در شبه قاره هند انجام شد و این کار دستمایه کار دیگر پادشاهان بایری شد. گاهشماری ابداعی دوره اکبرشاه که به "تاریخ الاهی" مشهور شد، توسط ستاره شناس ایرانی دربارش به نام "

فتح الله شیرازی" پایه گذاری شد و از سال ۹۲۲ هجری قمری رسمیت یافت. در این گاهشماری همانند گاهشماری یزدگردی هر روز نامی خاص دارد و ماه های سال، نام ماه های گاهشماری یزدگردی را دارند اما چون در "تاریخ الاهی" طول مدت هر ماه به توقف خوشید در برج های دوازده گانه بستگی داشت، روز سی و یک و سی و دوم برای ماه های سال پیش بینی شد و چون در گاهشمار یزدگردی برای این روزها نامی وجود ندارد، به ترتیب نام های "روز" و "شب" برای روز های ۳۱ و ۳۲ انتخاب شد و طول سال نیز برابر طول سال در گاهشماری جلالی محاسبه شد.

اما سابقه استفاده از ماه های ۳۱ روزه در تقویم خورشیدی به همین جا محدود نمی شود. چنان که دکتر فرید قاسملو ذیل "تقویم" در "دانشنامه جهان اسلام" درباره طول ماه ها در گاهشماری جلالی به عنوان نسخه قدیمی تر گاهشماری فعلی کشور، می آورد:

طول ماه های گاهشماری جلالی، برخلاف سایر گاهشماری ها، بر اساس ورود خورشید به هریک از صورت های فلکی منطقه البروج (برج های دوازده گانه) است اما بر این اساس، ماه های

گاهشماری جلالی در هنگام توقف خورشید در بروج فصل بهار و تابستان باید ۳۱ روز می بود که در این صورت چون در گاهشماری یزدگردی برای روز ۳۱ ماه نامی وجود نداشت و با توجه به تعداد نام هایی که نصیرالدین طوسی و سنجر کمالی برای گاهشماری جلالی برشمرده اند، احتمالاً در این گاهشماری از روش روزشماری بر اساس اعداد استفاده می شده است.

در تایید همین مطلب برخی منجمان همچون عبدالعلی بیرجندی، نصیرالدین طوسی، و قطب الدین شیرازی تاکید می کنند از آنجا که طول سال در گاهشماری جلالی برابر با طول حقیقی سال خورشیدی محاسبه می شده، طول ماه های گاهشماری مذکور نیز به وسیله برخی از منجمان و مردم برابر با ورود خورشید در هر یک از بروج دوازده گانه محاسبه گردیده، بنابر این نخستین روز ماه مقارن با ورود خورشید به هریک از بروج دوازده گانه است از این روی فصول نیز همچون فصل نجومی است و آغاز هر فصل مقارن با عبور ظاهری خورشید از هریک از نقطه های اعتدالین و انقلابین در نظر گرفته شده است.

پیام زرتشت

از: دکتر پرویز کویانی



بما گفتی خرد را پیشه سازیم
وهومن مایه اندیشه سازیم

نگفتی اختیار از آن ما نیست
رهایی جز بدلخواه خدا
نیست

نگفتی آب کوثر در بهشت
است نترسانی که دوزخ
سرنوشت است

نگفتی مان خدا را بنده باشیم
هراسان از گنه شرمنده باشیم

تو گاهان درخشان را
سرودی بفرزان اشا مان ره
نمودی

هزاران سال پیش از گاه میلاد که
گیتی بد سراسر جنگ و بیداد

تو ای زرتشت پاک روشنایی
بیاوردی پیام آشنایی

نوید آشتی دادی بشر را ستردی
از نهادش رنگ شر را

بیفشاندی زخود نور خرد را
شناساندی نهاد نیک و بد را

نمایندی بما با هوشیاری سه
مشعل رهنمون کامکاری

سه بنیاد رسا و جاودانه که زان
بهتر نباشد در زمانه

به اندیشه نکو جان زنده کردی به
گفتار نکو تابنده کردی

به کردار نکو پاینده کردی
سرشت آدمی ارزنده کردی

خرد گفتی که در جانها
اهوراست که اهریمن نشان

تیر گیهاست

خرد را گوهر اندیشه کردی خرد
ورزی و دانش پیشه کردی

بما آموختی هان کار کن کار که
کار تست با تیمار پیکار

زن و مردند یکسان در اوستا
کسی برتر که جوید راه اشا

بهشت جاودان ما همین است
بهشت آنجا که دانش برترین
است

بهشت گمراهان دیگر جهانست
بهشت ما زمین و آسمان است

دروجان دینشان دیوان پرستی
است اشویان مهرشان پیمان
هستی است

بهشت آنجاست کازاری نباشد
برای جنگ افزاری نباشد

هر آنکس کو برد سوی
اشا راه بفرجام رسایی
باشدش گاه



برگزاری جشن سده در تمام شهرهای زرتشتی نشین

از: ...

زرتشتیان ایران، امسال نیز به رسم نیاکانمان، آتش کهن جشن سده را در تمام شهرهای زرتشتی نشین شعله ور ساختند.

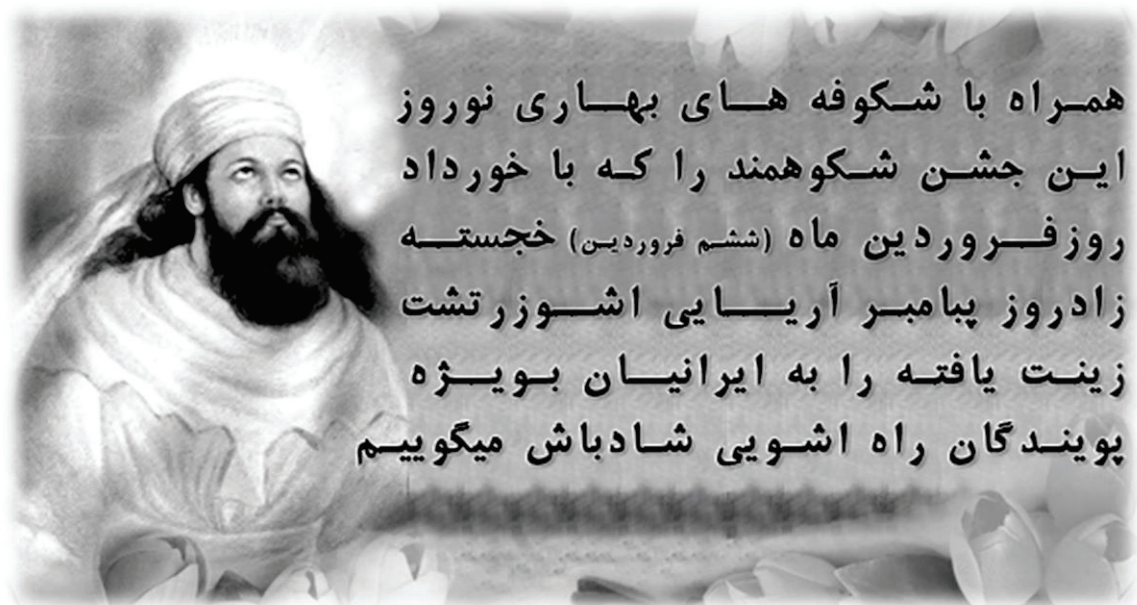
سده یاد آور فروغ و روشنی است. جشن پیدایش آتش و آغاز دوره ای دیگر در زندگی انسان ها، امسال نیز آتش سده در مهرروز از ماه بهمن - ۱۰ بهمن - با آرزوی صلح و دوستی و سلامتی برای همه ایرانیان و جهانیان روشن شد. مارکار تهرانپارس، اصفهان، شیراز، کرج، اهواز، زاهدان، باغچه بوداغ آباد کرمان و بسیاری از محله های یزد محل گرد آمدن همکیشان برای سده بود. در این راستا دکتر

اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسامی در پیامی جشن سده را شادباش گفتند. متن پیام به این شرح است:

پیام نماینده زرتشتیان به مناسبت جشن سده "خشنه اتره اهورهه مزداو" به نام دانای بزرگ هستی بخش درود بر فروهر پاک بزرگ پیام آور آریایی، اشو زرتشت اسپنتمان، و درود بر نیک اندیشان نیک گفتار و نیک کردار، سده جشن ملوک نامدار است ز افریدون و از جم یادگار است هر سال پنجاه روز پیش از فرا رسیدن سال نو و به فرخندگی نوروزی دوباره، «سده» را که مفهومی همچون دانش، خرد و تمدن دارد و یادآور ایستادگی راستی در برابر ناراستی است، به جشن می نشینیم. امروز روز دوست داشتن از ماه نیک اندیشی است. امروز روز یادآوری دلدادگی به اهورامزدا یکتا و بی همتا، آن یگانه پروردگاری است

که آتش جشن سده رابه نشانه فروغ جاویدان و روشنی بخش دل های مردمان، بار دیگر در روز مهر از ماه بهمن برافروخت. فرا رسیدن جشن سده، بر شما نیک اندیشان مهربان، خجسته و پرشگون باد" درود بر دلیرمردان و شیرزان این آب و خاک که با جان و دل، از ایران و فرهنگ ایران نگاهبانی کردند. باشد که سرخی اخگرهای آتش سده، یادآور مهر این مهربانان باشد. سپاس بر همه ایرانیان که بر پیمان خود بر انسان دوستی استوار مانده اند و راستی را تنها راه رسیدن به خوشبختی می دانند و در آن گام بر می دارند. باشد که این همراهی، به ماند همیشه، در گذر تاریخ پایدار بماند. آتش عشق اهورایی همواره در دلهايتان گرم و فروزان باد.

ایدون باد، ایدون ترج باد



همراه با شکوفه های بهاری نوروز این جشن شکوهمند را که با خورداد روز فروردین ماه (ششم فروردین) خجسته زادروز پیامبر آریایی اشوزرتشت زینت یافته را به ایرانیان بویژه پویندگان راه اشویی شادباش میگوییم

یک کاخ دوره هخامنشی در خراسان کشف شد

از: ...

در کاوشهای اخیر در تپه تاریخی ریوی، واقع در پنج کیلومتری

است. وی در توضیح دوره های تاریخی یافته شده در این تپه، افزود: "براساس کاوشهای انجام شده مهمترین استقرار تاریخی در این تپه مربوط به دوره هخامنشی است و البته از دوره های بعد از آن (دوره های اشکانیان و ساسانیان) نیز آثاری کشف شده



یک کاخ دوره هخامنشی در خراسان کشف شد

که نشان می دهد همچنان کاربری شهری در آن دوران نیز وجود داشته است. آقای جعفری گفت: "این سایت یکی از مهمترین محوطه های دوران تاریخی شمال شرق کشور است که پژوهشهای باستانشناسی هدف مند در آن میتواند موجب ارتقاء شناخت ما از هویت تاریخی منطقه و رشد صنعت گردشگری در استان خراسان شمالی شود."

شهر آشخانه در استان خراسان شمالی، بقایای یک شهر خشتی و یک کاخ هخامنشی شامل یک تالار ستون دار و پایه ستون سنگی کشف شد. به گفته جواد جعفری، سرپرست گروه باستانشناسی فعال در تپه ریوی با توجه به اینکه تا کنون هیچ اثری از امپراطوری هخامنشی در شمال شرق ایران یافته نشده، این کشفیات میتواند نشانگر پیدایش اولین شهر مهم از این دوره در خراسان باشد.

وی افزود که این آثار گواه آن است که با یک معماری خشتی بزرگ و با یک شهر مواجه هستیم که بسیار گسترده بوده



چنین گفت موبد.....

امشاسپندان

برگرفته از سخنان موبد موبدک، شادروک، موبد رستم

شهرزاد

این هفت امشاسپندان هم فکرنند این هفت، هم گفتار این هفت، همکارند. پندارشان یکی است گفتارشان یکی است و کارشان یکی است.

آیین اشوزرتشت بر روی سه اصل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار است و آن اشو، راه نجات هر دو جهان و رسیدن به هدف نهایی یعنی اهورامزدا را پیروی از این سه اصول قرار داده است ولی آن اشو تنها به این سه اصل کلی اکتفا نکرده و راه عملی دیگری نیز برای پیروی این سه اصل قرار داده که به هفت مرحله تقسیم و بعداً به نام هفت امشاسپند معروف شد. اولین مرحله شناسایی اهورامزداست. یعنی بر عموم زرتشتیان واجب است که اهورامزدا را به یکتایی بشناسند و برای او شریک قائل نشوند و او را هروسپ توان یعنی توانای کل، هروسپ آگاه یعنی دانای کل و هروسپ خدا یعنی مالک کل بدانند... این است اولین و نخستین راه روحانیت... در کتب اوستا و پهلوی هر جا از هورمزد سخن رفته فوراً به ما توصیه شده که بهترین راه خشنود کردن پروردگار، خشنود ساختن بندگان خداست. دومین مرحله ای که ما را به پیروی از سه اصل (اشو) زرتشت راهنمایی می کند،



پهلوی، آتش را بهترین نمونه و نماینده راستی و پاکی می داند زیرا این عنصر، به کثافات آلوده نمی شود، پیوسته پاک است و ظاهر و باطنش یکی است و پیوسته مستقیم به یک سمت در حرکت است و آن فرازین و بالایی است.

بدین سبب در اوستا به ما دستور می دهد آتش که اندر گیتی مهر و اشویی را نماینده است گرامی دارید و به نسا و پلشتی میالایید.

چهارمین مرحله شهرپور امشاسپند است به معنی نیروی فرمانروایی و چون تن آسایی و سستی شرط رسیدن به قدرت نیست و گوشه نشینی و انزوا و ترک دنیا و بیکاری راه سعادت جهان را فراهم نمی کند، این است که اوستا ما را از این کارها منع فرموده و به ما توجیه شده است که تن و من و روان خود را پیوسته نیرومند سازیم و بکوشیم با نیروی تن، عقل و روح، سروری و فرمانروایی خود را بر جهان محرز سازیم. پنجمین امشاسپند، سپندارمذ یعنی فروتنی و محبت است. پس از رسیدن به مرحله فرمانروایی و قدرت، اولین شرط برقراری مهربانی به زیردستان و فروتنی است. کبر و

باشد یعنی ظاهر و باطن خود را پاک و خالص نگه دارد؛ کثیف و ناپاک نباشد؛ پیوسته راستگویی پیشه کند؛ به تظاهر و حيله و مکر و تزویر دست نزند؛ ازدروج که ضد اشویی یعنی دروغ و ناپاکی باشد، بپرهیزد و بداند که راه در جهان یکی و آن راه راستی است.

نیاکان بزرگوارمان با پیروی از این راه توانستند گوی افتخار راستگویی را در جهان برابند و در نظر دوست و دشمن، شریف و ارجمند گردند. یکی از نویسندگان معروف یونان می نویسد سه چیز ایرانیان را به این مقام شامخ رسانید راستگویی، راست تیراندازی و راست اسب سواری. در نامه های اوستا و

مرحله و همن است که اوستا آن را و هومن می خواند یعنی فکر نیک و خیرخواهی... باز از آنجا که خیرخواه حقیقی نه فقط کسی است که نوع خود را نیازارد بلکه آن کسی است که حتا آزارش به حیوانات و جانداران سودمند نرسد بنابراین ادبیات زرتشتی و همن امشاسپند را در جهان مادی موکل بر حیوانات و جانداران سودمند قرار داد. سومین مرحله روحانیت مرحله اردیبهشت امشاسپند است. در اوستا اردیبهشت آشه [آوهیشته است یعنی "بهترین پاکی و راستی". شخص اشو در ادبیات مزدیسنی کسی است که در زندگی پیوسته طرفدار راستی و پاکی

غرور بزرگترین سد راه بزرگی و قدرت است... نامه های اوستا و پهلوی، بهترین نمونه و سرمشق فروتنی را زمین می داند زیرا او با وجود اهمیتی که در پرورش موجودات دارد باز خود را زیر پای همه انداخته و... سعدی نیز گفته است:

"تو ای بنده افتادگی کن چو خاک"

ششمین مرحله خورداد؛ شادی و خرمی است. بدینی و نظر به آلام و سختی های جهان زندگی را در نظر دوره زندان جلوه می دهد و برعکس خوش بینی سبب کاسته شدن بسیاری از اشکالات زندگی است. یکی دیگر از معانی خورداد تندرستی و آبادانی است.

اوستا آب را بهترین نمونه خوش بینی و آبادانی می داند و می گوید: "آب را که شیوه خرمی و آبادانی است هر آیین پاک نگه دارید.

هفتمین مرحله امرداد یا جاودانی و دیرزیوشنی است و از آنجایی که درخت و کشتزار سبب تندرستی و در نتیجه طول عمر می شود، ادبیات مزدیسنی، درخت را نمونه امرداد می داند... بنابراین بریدن و ریشه کن کردن نهال تازه گناه است. در بین خاندان پادشاهی در ایران باستان، رسم چنین بود که در روز جشن تولد یکی از اعضای خاندان، وی با دست خود می بایست درختی را در زمین بنشانند و در بزرگ شدن آن بکوشد.



مرکز پورداد

پروژه در مورد تاریخ ایران با نام «پورداد» در لس آنجلس

روز آرش رو

دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس یا UCLA چند ماه است که مرکزی به نام پورداد دارد. دکتر رحیم شایگان مدیر این مرکز که ریاست بخش مطالعات ایرانشناسی دانشگاه را نیز عهده دار است، انگیزه تأسیس آن را، تقویت هر چه بیشتر بخش ایرانشناسی این دانشگاه میداند و میگوید که در شرایط فعلی حاکم بر ایران، توجه زیادی نسبت به تاریخ ایران باستان نمیشود، بنابراین تأسیس یک نهاد پژوهشی با چنین ابعادی، همچون مرکز پورداد، میتواند تأثیر تعیین کننده‌ای بر سرنوشت کل رشته ایران شناسی بگذارد و سیر فعلی آن را تغییر دهد و تمامی رشته را بر شالوده نوینی بنیان نهد. این مرکز نام خود را از ابراهیم پورداد، نخستین مترجم فارسی اوستا و استاد برجسته فرهنگ ایران باستان و زبان اوستایی در دانشگاه تهران، گرفته است و با حمایت مالی نوّه ابراهیم پورداد یعنی آنهایتا نفیسی الولیس و همسرش جیمز الولیس تأسیس شده است. خانم نفیسی الولیس میگوید: «پدر بزرگ من زندگی خود را وقف مطالعه تاریخ ادیان و فرهنگ ایران باستان کرد و من شکرگزارم که من و شوهرم این بخت را داریم که بدین ترتیب کارهای مهم او را ارج نهیم».

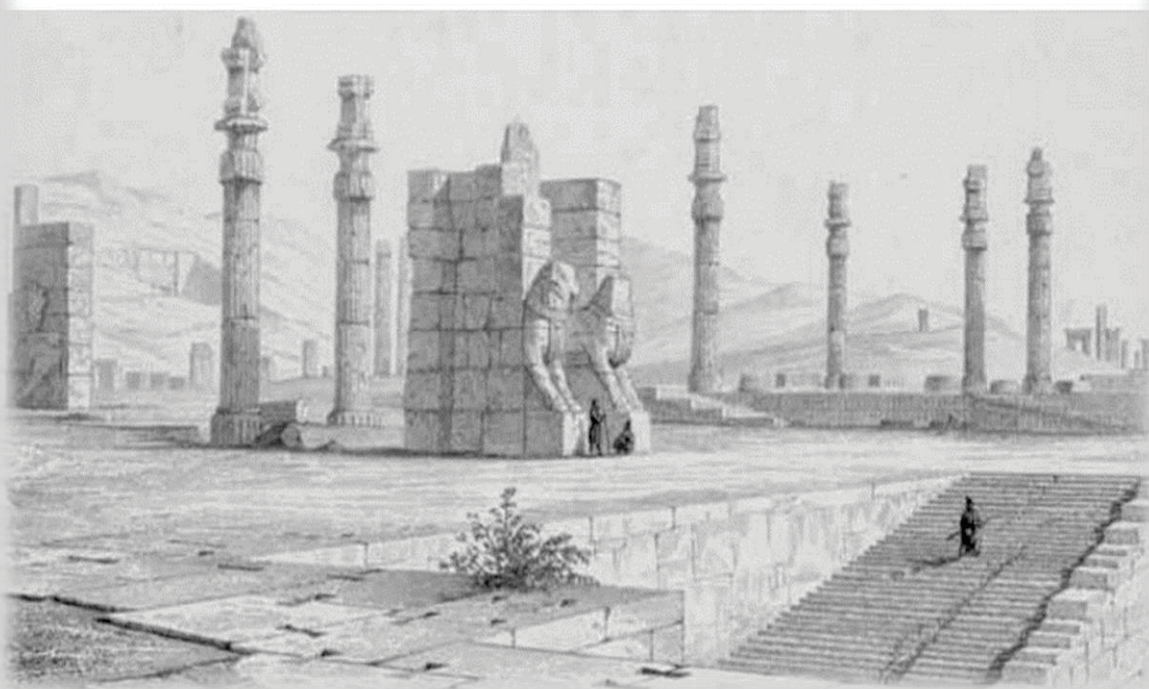
به گفته آقای شایگان، نام گذاری یک مرکز جامع به یاد ابراهیم پورداد در دانشگاه کالیفرنیا رویداد بزرگی است؛

مطالعات ایران در رشته ها و مرزهای زبانی و ادوار تاریخی مختلف و وسیع را در برمیگیرد. بارزترین نقاط قدرت آن مرکز

پژوهشی بی همتایی ایجاد خواهد کرد. مرکز پورداد و فعالیتهايش را در پنج شکل مختلف ارائه خواهد کرد:

اند و علاقمند به پژوهش در زمینه ایران باستان هستند. ۵- کمک به دانشجویان دوره دکترا در زمینه ایران باستان برای ادامه تحصیل. خانم الیزابت کارتر، استاد با سابقه باستانشناسی که مدتی هم در ایران در این زمینه تحصیل کرده و در زمینه حفاری در ایران فعال بوده است درباره این مرکز میگوید: سوای اهمیت علمی ای که این مرکز به عنوان یک نهاد پژوهشگر برای ما دارد، من فکر میکنم تاریخ ایران باستان هنوز موضوع خیلی شناخته شده ای نیست و این مرکز با توجه به توانایی و موقعیتهایی که دارد میتواند امکاناتی برای عالقمندان به این رشته به شکلهای مختلف فراهم کند.

او که اخیرا همراه با عده ای از دانشجویان باستان شناسی این دانشگاه به ایران سفر کرده، امیدوار است که این مرکز امکان تبادلات فکری را برای دانشجویان ایران و آمریکا فراهم کند تا هر دو گروه بتوانند به راحتی از فعالیتهای یکدیگر بهره ببرند. به گفته آقای ویلیام اشنیدویند، استاد مطالعات خاور نزدیک این دانشگاه، تأثیری که تمدن ایران باستان بر روی تمدنهای دیگر آن دوران چون تمدنهای چین، هندوستان و مصر تا آناتولی باستان و یونان گذاشته است بسیار عظیم است ولی هنوز با توجه به اهمیت آن دوران، خیلی



مرکزی که هدف آن تدوین راهبردهای نوین و تقویت رشته مطالعات ایران باستان و همچنین برقراری پیوندهای نهادی با سایر مراکز تراز اول دانشگاهی در جهان خواهد بود. بخش مطالعات ایرانشناسی این دانشگاه بیش از نیم قرن قدمت دارد. مطالعات ایرانشناسی در این دانشگاه به همت دکتر امین بنانی در دهه ۴۰ خورشیدی، به سال ۱۹۶۳ میلادی، آغاز شد. دانشگاه کالیفرنیا لس آنجلس از معدود دانشگاههای آمریکاست که در آن امکان تحصیل تا مقطع دکترا در رشته ایرانشناسی وجود دارد. بخش مطالعات ایرانشناسی دانشگاه کانون یکی از بزرگترین و جامع ترین برنامه های دوره دکتری در غرب است که تمامی

زبانهای ایرانی باستان و میانه، تاریخ و ادیان ایران باستان و علم باستان شناسی و مطالعه ادبیات کلاسیک فارسی است. مرکز پورداد، در قالب مرکزی پژوهشی، در کنار بخش مطالعات ایرانشناسی این دانشگاه، از مطالعاتی که در زمینه ایران باستان در چهار گوشه جهان انجام میشود هم حمایت خواهند کرد. آقای دومینکو اینجیتو، استادیار ادبیات فارسی کلاسیک بخش مطالعات ایرانشناسی درباره تأسیس این مرکز میگوید، تأسیس این مرکز برای ایران شناسی حکم یک قطب را دارد. او معتقد است که این مرکز برای کسانی که نگاه عمیقتری به تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران دارند موقعیت

۱- هدایت کار پژوهش در همه ابعاد و جوانب ایران باستان از راه گسترده تر کردن قلمروهای سنتی مطالعات ایران قدیم و نیز ارتقای پژوهشهای بین فرهنگی و میان رشته ای. ۲- برگزاری مداوم کارگاههای پژوهشی، سمینارها و جلسات سخنرانی. ۳- فراهم کردن امکانات پژوهشی برای ۴ تا ۶ استاد ایرانشناس که علاقمند به همکاری و پژوهش به مدت ۳ تا ۶ ماه در این مرکز هستند. ۴- پذیرش هر سال دو دانشجوی فوق دکترا برای کسانی که به تازگی مدرک دکترای خود را در زمینه ایران باستان اخذ کرده-

تفت، نارتی تی، بومگردی و زمینه های آن در جامعه زرتشتی

از: یاریناریا

تفت به لحاظ شرایط آب و

پشتکوه، میانکوه و پیشکوه تفت نیز مناطق زرتشتی نشینی از دیرباز وجود دارد که دو آتشکده، آب انبار و مدرسه، گواه این مدعاست. با این حال نمی توان از تفت بدون گذری بر اقامتگاه بومگردی نار تی تی



گذشت. اقامتگاه بومگردی نار تی تی در منطقه راحت آباد تفت، در دو سالی که از ایجاد آن می گذرد، توانسته است به یکی از تجارب موفق در عرصه بومگردی تبدیل شود. اقامتگاهی که به همت یک زوج جوان و خوش فکر زرتشتی در خانه اجدادی با قدمت حدود یک قرن دایر شده است، خانه ای که در آن جریان زندگی را با مسافران آمده از دور و نزدیک، سهیم می شوند. خانه ای قدیمی که پذیراست. زیرزمین هم مکان

این روزها با همتی والا، چراغش را روشن نگه داشته اند و زندگی در آن پر رونق است. این انگیزه ای شد تا در پسینی پاییزی مهمان نار تی تی و اهالی اش باشیم. رامتین شهرت با همسرش بانو تینا نمیرانیان به پیشوا زمان آمدند. از همان ورود به خانه گذر زمان و حس آرامش را می شد تجربه کرد. دیوارهای کاهگلی، قاب عکس های قدیمی، درهای چوبی، کوزه ها و دستمال های سبزی که دور تا دور آویخته شده اند و... تینا، در حالی که پوشش سنتی ساده و آراسته ای دارد، با چای تازه دم و شیرینی پذیرایمان بو. در سمت راست حیاط مرکزی خانه، درست کنار نیمکت چوبی که نشسته ام، اتاقی ساده که ویجویی از سقف آن آویخته است جلب توجه می کند. اتاقی که می گویند اتاق " پاکی" است. وارد که می شوی سفره ای ساده با گلدانی با چند شاخه برگ سبز و کاسه ای مسی پر از آب و چراغی روشن در میانه اتاق روی زمین گسترده است و در انتها، طاقچه ای است که چند قاب عکس از عزیزان در گذشته را روی آن چیده اند. اتاقی است برای آرامش و نیایش و برگزاری گهنبار و آیین های دینی. در انتهای راهرو، آشپزخانه ای قدیم است که کدبانوی خانه با دستپخت خود، مسافران را هم پذیراست. زیرزمین هم مکان

کم در مورد ایران باستان و تاثیرش بر تمدنهای دیگر تحقیق شده است. او امیدوار است که این مرکز افقی وسیع برای مطالعه در این زمینه و ارتباط بین مشرق زمین برقرار کند.

دکتر احمد کریمی حکاک، استاد میهمان این دانشگاه که خود تا چندی پیش مدیر بخش ا - یرا نشناسی دانشگاه مریند را بر عهده داشت، با تأکید بر این که وجود مرکز پورداد، اهمیت ایران را بالا میبرد، معتقد است که معمولا تاریخ را از طریق جنگها میشناسند، ولی حضور تمدن ایرانی و شناخت آن، این را به ما یادآوری میکند که تمدن ایرانی به جای جنگ به دوستی روی آورده است. دکتر شایگان هم در این باره میگوید:

"استاد فقید پورداد توانایی امپراتوریهای جهانی ایران باستان را در پذیرش قومیتها، مذاهب و زبانهای گوناگون از یک طرف و تجلی یگانگی هر یک از آنها را در متن ساختارهای حکومتی منسجم از طرف دیگر، به دیده تحسین مینگریست.

این گونه رواداری فطری، امروز هم جذابیت فراوان دارد و حضور یک مرکز پژوهشی به نام آن استاد، بی تردید یادآور این روحیه گشاده بودن به سوی جهان خواهد بود."

دنجی است برای دورهمی های شبانه و گفتگو و تبادل نظر. در راهرویی که به سمت باغ پشت خانه می رود، در سمت راست، گنجه چوبی قدیمی است که درهای آن باز است و مختصر صنایع دستی برای فروش در آن چیده شده، سمت چپ هم قابی است بزرگ از یادگارهای مسافران و مهمانان "نارتیتی"، از بلیط تالیوان قهوه

و عکس و کلید و بسیاری یادگارهای زیبا و شگفتانگیزی که بی شک نشان از خاطرات خوش مسافران این خانه دارد. جلوتر هم میز چوبی است که دفتر یادداشتی است برای مسافران تا نکات مثبت را در آن یادآوری کنند و کاستی ها را هم با صاحبان خانه سهیم شوند. کنجکاو می شوم، دفتر را ورق می زنم و یادداشت ها را که بیشترشان به زبان انگلیسی است، مرور می کنم، مسافران ایرانی هم در آن نوشته اند، نوشته ها حاکی از رضایت است و کسب آرامش و سپاس های بسیار بابت صمیمیت صاحبان خانه، آنقدر که هر خواننده ای را به وجد می آورد. بالاخره به باغ پشتی خانه می رسیم، جایی که انارها پاییز باغ را طعمی خوش رنگ بخشیده اند، چند میز و صندلی چوبی و مرد مسافری که در گوشه ای نزدیکی درخت اناری نشسته و کتاب می خواند. رامتین می گوید زمان های فراغت را



صرف آبیاری و رسیدگی به درختان باغ می‌کند. چرخ می‌زنیم. برگ‌های زرد و نارنجی. درختانی با انارهای قرمز و... میان اتاق می‌گردیم. از اتاق غذاخوری می‌گذریم و به یکی از اتاق‌هایی که به تازگی از مسافر خالی شده است، نگاهی می‌اندازیم، اتاقی پاکیزه و ساده با چند دست رختخواب پیچیده در چادرشبهای سرخ و زرد. حالا دیگر هوا تاریک شده، نرمة باد پاییزی می‌وزد و چند مسافر آلمانی قصد گشت زنی با دوچرخه را در همان کوچه باغ‌های اطراف دارند. هر چند از فضای آرامش بخش اینجا دل‌کندن سخت است اما خداحافظی میکنیم و راه بازگشت در پیش می‌گیریم. در راه بازگشت خانه‌هایی را می‌بینم که سالهاست چراغ‌هایشان خاموش مانده و به روستاهایی که در هیاهوی شهرزدگی و مهاجرت مرده‌اند. سر زدن به اقامتگاه بومگردی "نارتیتی" و با خبر شدن از نمونه

های مشابه آن در دیگر روستاهای زرتشتی نشین یزد نظیر اله آباد، مزرعه کلانتر و دیگر شهرهای زرتشتی نشین انگیزه ای شد تا به موضوع بومگردی و امکانات جامعه زرتشتی در این زمینه بیندیشم علم روانشناسی می‌گوید: انسان، موجودی است کنجکاو که همواره از تجربه تازگی‌ها و کشف ناشناخته‌ها به وجد می‌آید، این موضوع یکی از ملزومات دستیابی به رشد به عنوان یک مفهوم شناختی است. یکی از مواردی که همواره برای انسان در راستای کشف و تجربه ناشناخته‌ها مورد توجه بوده، گردشگری است، یعنی نقل مکان به جایی به جز مکان زیست خود و تلاش برای تجربه و کشف تازگی‌ها و ناشناخته‌های آن مکان. در چند دهه اخیر با توجه به رشد شهرنشینی و تغییر سبک زندگی جوامع، همچنین رشد شتابان تکنولوژی در حیطه ارتباطات، انسانها گرایش بیشتری به گردشگری یافته‌اند

و در این میان در سال‌های اخیر نوعی گردشگری یعنی اکوتوریسم یا همان بومگردی نمود قابل توجهی یافته است. در جهانی که مفاهیم ارتباطات انسانی به شکل حیرت‌آوری در قالب دنیای مجازی خلاصه می‌شود، انسانها نیاز به فرصتی دارند تا در دنیای حقیقی

بتوانند به بازسازی ارتباط خود با طبیعت بپردازند، چرا که بخش عظیمی از نیازهای جسمی و ذهنی آنها از آغاز حیات در تعامل با طبیعت برآورده می‌شود.

اکوتوریسم یا بومگردی فرصتی است تا انسانها ضمن تعامل تنگاتنگ با طبیعت و فرهنگ هر خطه‌ای، از

سویی پاسخگوی نیاز ذاتی کنجکاو و اشتیاق کشف در خود باشند و از سوی دیگر کاستی‌هایی را که سبک زندگی مدرن به بشر تحمیل کرده را جبران کنند. همین سبب شده تا شاخه اکوتوریسم در صنعت عظیم گردشگری مورد توجه ویژه جهانیان قرار بگیرد. از این رو سرزمین‌هایی

با وسعت و همچنین غنی از منظر جغرافیای طبیعی و انسانی، همچون ایران، می‌توانند سهم بسزایی در این بخش از صنعت در جهت تسریع دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، داشته باشند. اما چنانچه آمارهای جهانی نشان میدهند در حالی

که 10 درصد از صنایع کشورهای توسعه یافته که حتی شاید پتانسیل جغرافیای انسانی و طبیعی‌شان قابل مقایسه با ایران هم نیست، به گردشگری اختصاص یافته، در

ایران رقمی در حدود 50 هزار فعال عرصه درک این موضوع زمانی بیشتر آزار تامل برانگیز. گردشگری، داریم و این رقمی است دهنده می‌شود که بدانیم سرزمینمان از یکسو به لحاظ جغرافیای طبیعی، با وجود چشم‌انداز متنوعی از طبیعتی غنی، برخوردار است از 9 گونه از انواع 13 گانه آب و

هوا، پوشش گیاهی و حیات جانوری متنوع، معادن و منابع عظیم، موقعیت سوق الجیشی منحصربفرد و... از سوی دیگر به لحاظ جغرافیای انسانی، تمدنی چند هزارساله همپایه قدمت بشر، تاریخی غنی و شگفت‌انگیز، فرهنگی هزار رنگ، سراسر نغمه و نوا، رنگ و طعم، رقص و رزم،

داستان و افسانه، آینه‌ها و باورها و... می‌تواند سهم بسیار پر رنگی در عرصه گردشگری داشته باشد. آمار سازمان میراث فرهنگی حاکی است از حدود 800 اقامتگاه بومگردی موجود در ایران، استان‌های اصفهان، کرمان و یزد، پرتعدادترین این اقامتگاه‌ها را دارا هستند. در موضوع بومگردی، بازگشت به خانه‌های اجدادی، بازیابی هویت، خاطرات و سبک زندگی گذشتگان، بازسازی تعامل با طبیعت، سازگاری با محیط زیست و تلاش برای نجات آن از قهقرایی به نام "شهرزدگی"، شناختن و شناساندن تاریخ و فرهنگ، ایجاد ارتباط با جوامع دیگر که گردشگران به نوعی سفیران فرهنگ و تاریخ به شمار می‌آیند، از جمله موارد مهم و اندیشه برانگیز محسوب می‌شود. در این میان بی‌تردید اشتغال و درآمدزایی، عامل موثری است که انگیزه فرهنگی و زیست محیطی را قوت



نام خلیج فارس در سند ۲۵۰۰ ساله

برگرفته از تارنما "تاریخ ما"

سه زبانه و به زبان های فارسی باستان، ایلامی و بابلی نوشته شده اند. کتیبه ی به دست آمده ی



می بخشند. همین امر بسیار جای اندیشه و عمل بایسته دارد تا این مقوله به عنوان یک فرصت چندجانبه دیده و شناخته شود. در این راستا جامعه زرتشتی پتانسیل بسیار خوبی برای استفاده از این فرصت دارد. وجود خانه ها و بناهای قدیمی، برخی میراث به جا مانده از گذشتگانمان نظیر ظروف مسی و...، پایبندی به آداب و رسوم ایرانی، داشتن لباس مخصوص و مطابق آیینمان، می تواند بستر مناسبی برای پرداختن به این موضوع به ویژه برای بنا بر گفته صاحب نظران عرصه گردشگری، جوانانمان باد.

بومگردی و ایجاد اقامتگاههای بومگردی، فرصت مساعدی برای بازگشت جمعیت مهاجر به روستاها را فراهم کرده است.

فرصتی که با توجه به فراهم آوردن موقعیت شغلی و ایجاد منبع درآمد انگیزه ای شده است تا افراد نگاه ویژه ای به پتانسیل های موجود در زادبوم خود داشته باشند و این فرصت غنیمتی است که می توان از آن در راستای زنده کردن روستاهای در حال تخریب زرتشتی و بناهای به یادگار مانده از گذشته استفاده کرد.

بکنند از رودی به نام نیل، تا دریایی که از پارس می آید... " این یک سرخ جالب از تاریخی است که منظور هخامنشیان، دریایست که "از پارس می آید"، جمله ای که جای دقیق آن را بیان میکند. وی معادل امروزی دریای پارس را همان خلیج فارس میدانند و میگویند: دریایی که از پارس می آید بسیار فراتر از خلیج فارس امروزی بوده است. خلیج فارس امروزی، دریای عمان و بخشی از اقیانوس هند که در این مسیر است را به همراه دریای سرخ تا آبراهی که به نیل وصل میشود، شامل میشده است. او با بیان اینکه در طول تاریخ به

مرور بخشهایی از این مسیر، نامهای دیگری به خود میگیرند، ادامه میدهد: در نقشه های کهن، به دریای پارس، بحر الفارسی، خلیج فارس و دریای فارس نیز گفته میشد. شهادی همچنین با اشاره به اینکه روی کلمه "دریای عمان" در قطبناهایی که در سرزمینهای عربی ساخته شده، کلمه بحر فارسی نوشته شده، ادامه میدهد: تا سده های گذشته و حتی تا اوایل سده حاضر بسیاری از این آثار در منطقه جنوب خلیج فارس اعتبار داشته اند. این مدرس دانشگاه تاکید میکند: کتیبه ایرانی داریوش بزرگ در سوئز، قدیمیترین اثری است که از لفظ "دریای پارس" استفاده کرده، با قدمتی نزدیک به ۲۵ قرن، یعنی ۲۵۰۰ سال پیش یک متن با این نام وجود دارد. قبل از هر

نیز که در داخل مرزهای امروزی ایران وجود ندارد، سالها قبل در شمال آفریقا و در مصر پیدا شد که امروز به دلیل محتوای آن، به کتیبه سوئز مشهور است. او با بیان اینکه متن این کتیبه از زبان داریوش بزرگ هخامنشی نوشته شده و محتوای آن به ساخت آبراه یا کانالی اشاره میکند که این آبراه یا کانال، دریای سرخ یا دریای سرخ را به رود نیل وصل میکند، می گویند: این راه آبی از خلیج فارس به مصر میرسد و برای کوتاه شدن مسیر در پایان مسیر آبی کانالی حفر شده است. وی با تاکید بر این که تعاریف ۲۵ قرن پیش با امروز متفاوتند، ادامه میدهد: داریوش بزرگ ۲۵ قرن پیش در کتیبه هخامنشی گفته است: "فرمان دادم که آبراهی

تمدن ایران باستان هخامنشیان مدال های جنگجویان آمریکایی یا سنگ قبر مبارزانشان و حتی نوشته ها و نسخه های خطی ایرانی، عربی و خارجی، از مهمترین اسناد برای تایید سندیت نام "خلیج فارس" هستند. حالا تصور کنید یکی از قدیمیترین اسناد درباره خلیج فارس، حدود ۲۵۰۰ سال پیش در مصر و در کانال سوئز حک شده و اکنون در موزه لوور خودنمایی میکند.

علی شهادی، ایرانشناس و مدرس دانشگاه تهران، کتیبه داریوش در کانال سوئز را یکی از قدیمیترین منابع در تاریخ میدانند که نام خلیج فارس را تا امروز زنده نگه داشته است. او به ایسنا میگوید: معمولا کتیبه های هخامنشی به جز چند کتیبه، اکثرا

اظهار نظر، سری به موزه لوور بزنند او در ادامه با اشاره به نقشه های زیادی که در طول تاریخ دوره اسلامی به فارسی و عربی با نام بحر الفارسی وجود داشته اند، ادامه میدهد: کتیبه «کانال سوئز امروز در موزه لوور قرار دارد و البته در طول تاریخ آسیبهایی دیده بوده که باستانشناسان و متخصصان زبانهای باستانی دست به دست هم دادند تا قطعات را کنار یکدیگر قرار دهند. بخشهایی از منت کتیبه آسیب دیده که با توجه به نوع خط آن، بخشهای ریخته شده به کمک منت کتیبه های دیگر بازسازی شده اند... شهادی تاکید میکند: این کتیبه شهرت جهانی دارد و مورخان و باستانشناسان جهان از وجود و محتوای آن آگاهند.

وقتی داریوش نام دریای پارس را بر کتیبه سوئز حک میکند

به گزارش ایسنا، حفر کانال سوئز قبل از میلاد توسط دومین در قرن هفتم فرعون مصر از سلسله بیست و ششم به نام نکو آغاز شد، اما به دلیل بروز مشکلات این کار به پایان نرسید، تا اینکه یک قرن بعد بار دیگر به دستور داریوش ساخته و مورد بهره برداری قرار گرفت. سه کتیبه از داریوش به یادبود ساخت این کانال در ۳۳ کیلومتری شمال سوئز در ساحل غربی کانال فعلی پیدا شده اند. روی یکی از کتیبه های کوچک نوشته شده "من، داریوش، شاه



آزاده بانوی ایران زمین

از: تورک شیربادر



مرا بارها

گر کنی آزمایش همینم، همینم،
همینم، همینم

من آزاده بانوی ایران زمینم

بود مهر آزادگی برجبینم

اگر پرسی از دین و آیین و کیشم
خدا و وطن هست آیین و دینم

منم از ازل رهرو راه ایران

از این ره روم تا دم واپسینم

سپارم من این راه با استواری

اگر چند دشمن بود در کمینم

به هر جا روم گرچه باشد گلستان

وطن را به بیداری و خواب بینم

بود سینه آتشگه مهر مینم

مباد آفسرد آتش دلنشینم

از این آتش دلنواز و فروزان

سپاس آورم بر جهان آفرینم

به پیش هر ایران ستایی شوم خم

ولی پیش دشمن چو شیر عرینم

چه باکم از آن نابکاران گر آنان

در آرندم از پا به شمشیر کینم

به نزد انیران و ایران ستیزان

این جنگ شرکت کرده بودند
انداخت، تقدیر کرد.

دور این مدال کلمه Veterans
Gulf Persian Medal به

معنای "مدال ملی سربازان
جنگ خلیج فارس" نقش بسته و
در مرکز آن توضیح داده شده
که "مدال ملی رزمندگان
خلیج فارس، ویژه مردان و زنان
نیروهای مسلح ایالت متحده
که در جنگ خلیج فارس به
کشورشان
خدمت کردند."

کهن ترین سند تاریخی و
جغرافیایی با نام خلیج فارس

مسالک و ممالک نیز از نفیس
ترین نسخ خطی اثر ابواسحق
ابراهیم بن محمد فارسی
اصطخری در زمینه تاریخی و
جغرافیایی است که در قرن
چهارم هجری قمری نوشته شده
است. این اثر نقشه شهرها و
کشورها، راههای ارتباطی و
نقشه، موقعیت ممالک، کوهها و
دریاها را مشخص کرده که از
مهمترین نقشه های این کتاب
میتوان به موقعیت و نام خلیج
فارس با عنوان بحر صوره فارس
اشاره کرد.

این نسخه خطی
دوم دی ماه ۱۳۸۷ در فهرست
کمیته ملی حافظه جهانی یونسکو
و به شماره ۱۰۰۵ به
ثبت رسیده و
اکنون در موزه
دوران اسلامی، موزه ملی
ایران نگه داری
میشود.

بزرگ، شاه شاهان، شاه
کشورهای دارای همه گونه
مردم، شاه در این زمین بزرگ
دور و دراز، پسر ویشناسپ
هخامنشی. و در کنیه بزرگتر با
۱۲ سطر به دستور داریوش برای
حفر کانال اشاره شده است؛ "من
پارسی هستم. از پارس مصر را
گرفتم. من فرمان کندن این
جوی را دادم، از رودخانه ای به
نام نیل، که در مصر جاری است
تا دریایی که از پارس می رود.
پس از آن این جوی کنده شد،
چنانکه فرمان دادم و کشتیها از
مصر از میان این جوی به سوی
پارس روانه شدند، چنانکه میل
من بود."

تقدیر آمریکاییها از سربازانشان با
مدال خلیج فارس

پس از پایان جنگ ایران و عراق،
آغاز حمله ارتش عراق به کویت
در مرداد ماه ۱۳۶۹ بود. اما چون
عراق با این حمله موجب بروز
بحرانی بین المللی شد و اخطار
شورای امنیت را نپذیرفت،
آمریکا با ائتلافی از کشورهای
دیگر به کویت و سپس به عراق
حمله کرد و ارتش عراق را از
کویت بیرون راند.

به پایان رسیدن جنگ بین این دو
کشور حدود دو سال زمان برد،
پس از آن ارتش آمریکا در سال
۱۳۹۲ از سربازانش که در این
جنگ که به نام جنگ خلیج
فارس شهرت یافته بود، با مدالی
که نام خلیج فارس Gulf
Persian بر آن حک شده
بود و به گردن سربازانی که در

به هر جا روم، ریشه دارم در ایران
چو فرزند این کشور و سرزمینم

چو موج خروشنده خشمگینم
بود در رگم خون گردآفریدی
نه در پیش بیگانه از پا نشینم
منم زاده آرتمیس و فرانک
ز پشت و پی آرش و آبتینم
نسب می برم از کتایون و
ماندان هم از دوده کاوه و
کی پشینم
بود پای سیندخت بر
آستانم
بود دست رودابه در
آستینم
من آن آریا گوهران را
نشانم نشانی از آن حلقه
گوهرینم

شوم شاد از شادی مام مینم
زرنج و غمش، دلپیش و حزینم
مبادا جدا مستی از خاک ایران
بمان جاودان مینم نازنینم
به یزدان قسم آب شور کویرت
گواراتر است از می و انگینم
ز گفتار و کردار ایران ستیزان
سراپای در کوره آتشینم
چو فرزند ایران گراید به دشمن
من از سوی آن ناخلف شرمگینم
دل خون شد از دست بیگانگیها
هوادار ایرانی راستینم

اگر چند خاموش بودم زمان ها
کنون همچنان تندر فرودینم
ز نوک قلم بر انیران بتازم
رسد تا دماوند بانگ و طنینم
فرا روی آزادی آرم فرو سر
ز تهدید و زور و خشونت غمینم
از آغاز در پیش فرهنگ ایران
نوآموزم و کودکی خوشه چینم
منم آریا بانویی، آریایی
خدا را پرستم، وطن را گزینم
پرستشگم بوده و هست ایران
بود چارسویش، بهشت برینم






از زرتشت
GOOD THOUGHTS
کودزرتیک
GOOD DEEDS
کودزرتیک
GOOD WORDS



نمایندگی بیمه کسروی
با ۲۵ سال سابقه در انواع بیمه

خودرو.
تندرستی.
خانه.
عمر.

بازرگانی.
کارگری.
بیمه گروهی.
بازنشستگی.


(714) 542-3014
(714) 714-0021

jkasravi@farmersagent.com
Lic. # 0781336


Bahirani@YAHOO.COM


BERKSHIRE HATHAWAY
HomeServices

The Preferred Realty & Realtor
بهرام ایرانی
Bahram Irani


818-645-3134
۸۱۸-۶۴۵-۳۱۳۴

اکتوبر ماه
خانه‌ای بزرگ در جنوب بلوار تارزانا ۴ خوابه و ۵ حمام به قیمت ۱,۳۵۰,۰۰۰ دلار
آپارتمان بزرگ و نوساز در ارواین در به قیمت ۷۳۹,۰۰۰ دلار
استودیوی نوساز و بسیار بزرگ در نوس آنجلس به قیمت ۴۰۹,۹۹۹ دلار

OCCASION




CZC Journal

بهرام ایرانی
ماهنامه زرتشتیان

To View all CZC Zoroastrian publication issues

Visit:
www.czcjournal.org





Avicenna
Accounting & Tax Services
The Best Public Accounting & Tax Services Firm

- Preparation corporate & individual tax
- Preparing & reviewing income statement
- Preparing & reviewing balance sheet
- Auditing
- Preparation of financial forecasts
- Preparation of financial projection plan

8500 Leesburg Pike, Suite #203, Vienna, VA 22182
Telephone: (703) 448-6655
Fax: (703) 448-6656
www.aviact.com
email: info@aviact.com

The Zoroastrian Journal

GOOD THOUGHTS

GOOD DEEDS

GOOD WORDS

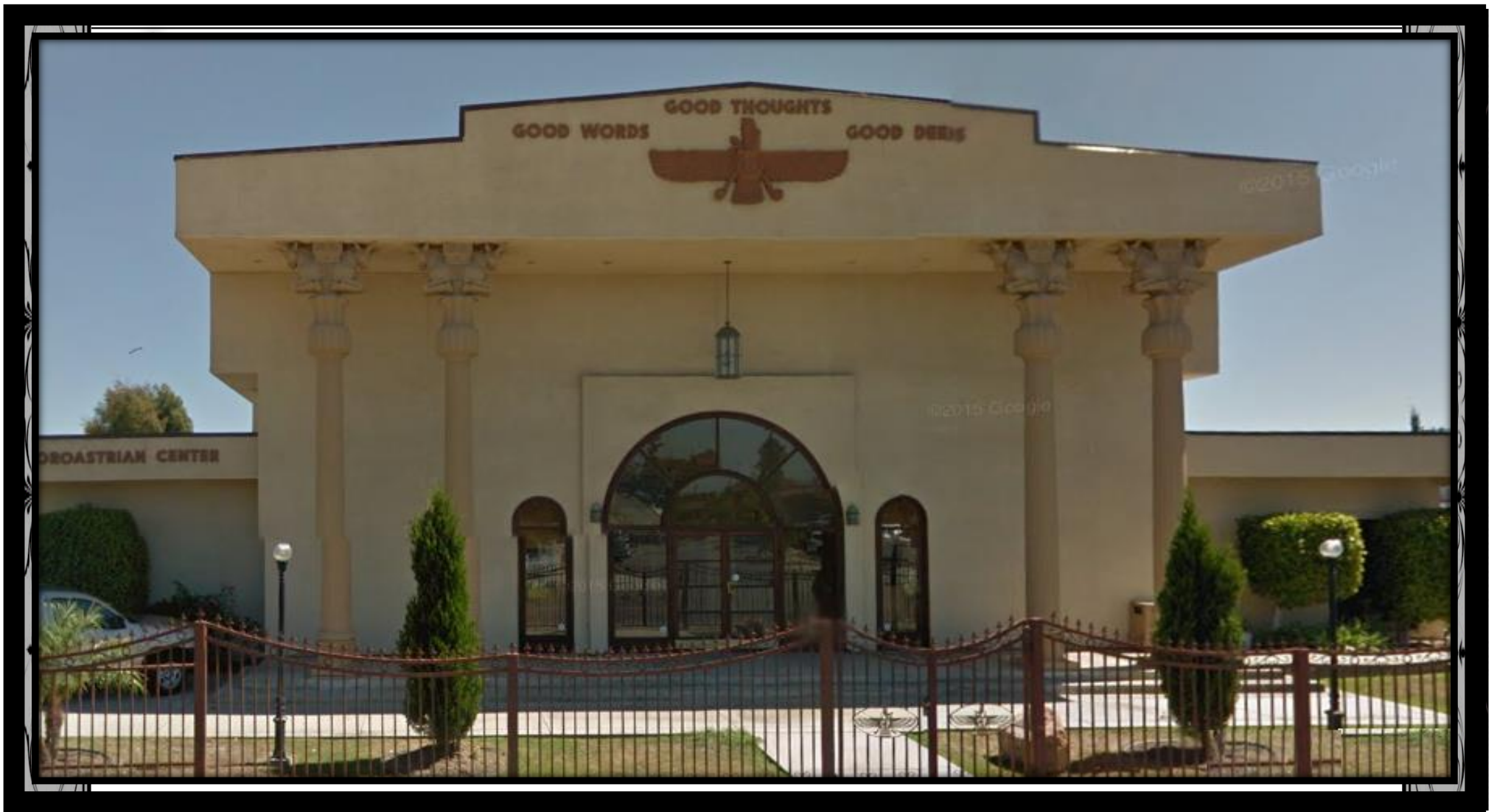


Happy Nowruz

California Zoroastrian Center

SPRING 2018, 3756 ZOROASTRIAN CALENDER

ISSUE 31



Topics:

Religions, Culture, Social, Science, History, News...

Senior Editors:

Mobed Bahram Deboo
Shahrooz Ash
Nasrin Oribeheshti
Mehrdad Mondehari

Authors/Writers

Dr. Niaz Kasravi
Mobed Behram Deboo
Shahrooz Ash
Roshan McArthur

Director and Publisher:

California Zoroastrian Center (CZC) A Non-Profit
Organization

Graphic, Design and Layout:

Mehran Felfeli

Printed by:

LA WEB PRESS

Email: info@czcjournal.org

Tel: (714) -893-4737

Fax: (714) - 894- 9577

www.czcjournal.org

Mazda [Wisdom]; is the Zarathustrian Deity or God.

Asho Zarathushtra Spitaman in the Gathas states that he is: Mantra/thought-provoker, Zotar/invoker and Ratu/teacher. Zarathustrians believe in Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds.

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of, Asho Zarathushtra Spitaman; the holiest of the holies. The Zarathushtrian vision is the first scientific view in terms of; ethics, metaphysics and epistemology, dating back somewhere between 4 to 8 thousand years. According to Zarathushtra there is only one deity, Mazda/Wisdom worthy of: worship, praise and celebration. True Zoroastrians follow the path of Asha (righteousness), one should choose to the right thing because it is right. Our belief teaches us to respect these four elements:

Water, Fire, Air and Earth because they sustain human life. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine, sacred and holy. In fact all beings with life are a divine. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; this is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

“Zoroastrianism has been identified as one of the key early events in the development of philosophy.”

Blackburn, Simon (1994). The Oxford Dictionary of Philosophy. Oxford: Oxford University Press.

California Zoroastrian Center

8952 Hazard Ave. Westminster, CA 92683

Email: info@czcjournal.org

Tel: (714) -893-4737

Fax: (714) - 894- 9577

www.czcjournal.org



Editor Notes

By: SHAROOZ ASH

Cover History

- IN MEMORIAM: DR. FARHANG MEHR ...PG 4

News

- THE CYPRESS OF ABARKUH IN YAZD, IRAN: ONE OF THE WORLD'S OLDEST TREES ... PG 5
- SOME ANCIENT IRANIAN HISTORICAL SITES THAT PRE-DATE THE ADVENT OF ISLAM IN IRAN ... PG 5
- AN 2018 FEZANA AGM PLANNING UNDERWAY ... PG 6
- "I FELT WELCOME ONCE AGAIN IN THE COMMUNITY ... PG 7
- LIKE SUGAR IN MILK ... PG 7
- WHAT HAPPENS TO YOUR BRAIN WHEN YOU STOP BELIEVING IN GO ... PG 8

Gatha

- SCIENCE AND SPIRITUALITY ...PG 9

Humanity

- ONLINE PROTESTS AS IRANIAN ZOROASTRIAN COUNCILLOR SUSPENDE ...PG 11

Culture & History

- FIRST DASTOOR MEHERJIRANA LIBRARY: THE OXFORD OF GUJARAT ...PG12

General

- LEGACY OF THE PHRYGIAN CAP ...PG 13
- GET A FREE COOK BOOK ...PG 13

Principal of Choice – Faravaraneh

Zoroastrianism is the oldest reflective religion in the world, mainly practiced in Iran. Iranians are proud of their heritage, and pride themselves on being worshippers of good thoughts, words and deeds, the three main tenets of Zoroastrianism. Recent statistics estimate high numbers in Iran and surrounding Iranian speaking provinces revering and admiring their historical traditional roots and are embracing their indigenous identity. The interest and piety is strong; worshipers practice with affection and speak of their religious affinity. We see similar trends in Greater Iran (surrounding Iranian speaking countries).

Tribalism was rejected by a Man named Zarathushtra in the Iranian dominion (Aryan Vieja) at least over 7500 years ago; so he is known to be the father of freewill. Instead of tribalism he advocated that each individual should be allowed to freely think and make choices.

Here is a statement by Professor Kaikhosrov D. Irani.:

“Zarathustra declares this to be a vision to be chosen by each individual by himself or herself. He doesn't say individuals of this kind or that kind belonging to this group or that group. This is an individual faith. And therefore it is absolutely inconceivable that he would have thought that this applies only to this group or that group. His whole approach was to move from tribalism to individuality.”

The above statement by Professor Irani means; that no person is born into a belief, no tribal authority should dictate religious policy on the entire society marginalizing individuals and prohibiting them freedom of choice. In Gathas song 5, Zarathushtra condemns the clergy for using tribal methods prohibiting individual freedom and taking away happiness (Ushta). According to Zarathushtra all men and women are born free with innate capacity to think and reason, and in fact Ahura-Mazda created us such that freewill constitutes an attribute of human existence. Zarathushtra, Cyrus the Great and Firdausi were great free thinkers; they tried to liberate humans from bondage and mental slavery. Indeed a very noble act from the greatest the world has ever seen.

California Zoroastrian

Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Acc # 421,334675,6

HAPPY

Nowrouz

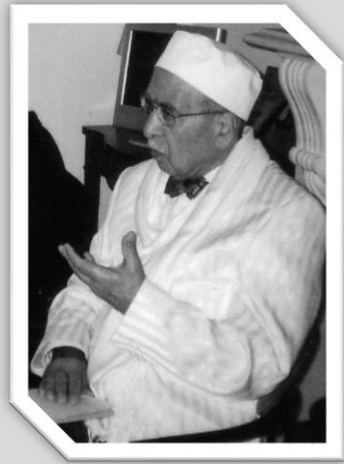




Cover Story

IN MEMORIAM: DR. FARHANG MEHR

SOURCE:
WIKIPEDIA



In Memoriam: Farhang Mehr

Farhang Mehr was an Iranian-born American Zoroastrian scholar and politician born in Iran on 11 December, 1923. He was very active in the Zoroastrian community, writing books and giving lectures to acquaint the world with Iran's oldest religion. He also served as the President of the Zoroastrian Anjuman of Tehran for 12 years. Professor Emeritus at the Frederick S. Pardee School of Global Studies at Boston University, he had moved permanently to California, where he died on March 14, aged 94.

His early life

Mehr was born to a Zoroastrian family in Tehran, Iran. His father, Mehraban Mehr, was from the province of Kerman, and at the age of 14 migrated to Tehran for greater economic and social opportunities. He went on to become chief accountant in the Majlis Showraye Melli parliament, predecessor of the Islamic Consultative Assembly. His mother Paridokht was a

granddaughter of Khajeh Barkhordar, a Zoroastrian Yazdi immigrant to Tehran. Farhang was raised as a devout Zoroastrian and a patriotic Iran. Upon graduating from the Polytechnic with a degree in mechanical engineering, he joined Tehran University and obtained a bachelor's degree from the School of Law, Economics and Political Science. Then he went to England, where he received an L.L.M. from London School of Economics, University of London, and a Ph.D. from University of Southampton. (In 1975, he was awarded LL.D. (honoris causa) by the University of Pennsylvania.) Returning to Tehran in 1957, Dr Mehr joined the National Iranian Oil Company as head of the Department of International Contracts and Industrial Relations. In this period, he also served as advisor to the Minister of Commerce. Subsequently, at the invitation of the Minister of Finance, Dr Mehr moved to that ministry where he consecutively held the following positions: Director General of Oil and International Relations, Governor for Iran in OPEC, Director General of Economic Affairs and Monopolies, Deputy Minister in charge of finance (revenue and treasury) and economic affairs. He was then nominated by the prime minister to serve as the Minister of Finance. However, he could not become a minister under Iran's constitutional law, which preserved the ministerial posts for Muslims only. Thus, he became General Deputy

Minister. During the premiership of Amir Abbas Hoveyda, Mehr served as Acting Minister for several months. Mehr then resigned to register his opposition to the relevant discriminatory provision in the constitutional law. Prime Minister Hoveyda responded by offering Dr Mehr the position of Deputy Prime Minister with all the privileges of a minister except the title. To continue to demonstrate his opposition to the laws affecting non-Muslims, after a few months of serving in that position Mehr resigned with publicity. He then assumed the position of chairman of the board and executive director of the largest insurance company in Iran, Bimeh-ye Iran. In this position, he created a new regulatory agency for insurance, called the Central Insurance Company. He also initiated the insurance pools within the framework of the Regional Corporation for Development (RCD), as well as the College of Insurance for training of insurance staff among Iran, Turkey, and Pakistan. The building of the famous Shah Abbas Hotel in Isfahan was during Dr Mehr's presidency in Bimeh-yeh Iran. During this time, he continued to serve as Iranian Governor for OPEC. In addition to his governmental positions, Dr Mehr was also teaching at Iran's Military Academy, Tehran University, National University of Iran, College of Accounting and College of Insurance. He served on the board of trustees of several

universities and colleges. Farhang Mehr's last position in Iran, prior to the Islamic Revolution of 1979, was president of Pahlavi University in Shiraz. During his presidency, the university became internationally known for its academic excellence and for instituting innovative policies that were later adopted by other developing countries. In 1973, the International Health Organization (WHO) chose Pahlavi University as the center for giving on-the-job training courses to the faculties of the medical schools in south Mediterranean countries. In recognition of his valuable services Dr Mehr was the first and only non-Muslim Iranian decorated with first rank Homayoun Medallion and second rank Taj Medalion. In 1981, two years after the establishment of the Revolutionary Islamic Republic of Iran, Farhang Mehr immigrated to the United States. There he joined Boston University as Professor of International Relations, at what is now the Pardee School of Global Studies. In 1982 on Now Ruz, Dr. Mehr received a certificate in appreciation of the contribution of Iranians to life in the Commonwealth of Massachusetts from Governor Michael Dukakis. He retired in 1997.

Zoroastrian activism

Mehr was very active in Zoroastrian communities worldwide. In his youth, he organized Sazeman-e Javanan-e Zartoshti, with the goal of fostering unity and awareness

among Zoroastrian youth, particularly in their struggle to obtain more rights in Iran. In 1949, Mehr was elected to Anjoman-e Zartoshtian-e Tehran as its youngest member. Having left for England in 1950, he joined the Zoroastrian Association of Europe in London and continued to regularly contribute articles to the Zoroastrian monthly journal Hukht, published in Tehran. On his return to Iran in 1957, Dr Mehr again assumed an active role in the Zoroastrian community and was elected chairman of the Tehrani Zoroastrian Anjoman, a position he held until the Islamic Revolution of 1979. He was a founder of the Ancient Iranian Cultural Society. Dr Mehr attended all World Zoroastrian Congresses since their inception in 1960 and was a founder of the World Zoroastrian Organization (WZO). Professor Mehr traveled extensively and gave lectures in America, Canada, Europe, Australia, the Soviet Union and China. He published 12 books in Persian and English on industrial law, social insurance, religion and international relations, including *The Zoroastrian Tradition* and *A Colonial Legacy*, along with 80 articles in professional journals. In addition to his publications, he gave numerous television and radio interviews. Prof. Mehr leaves behind his wife, Parichehr Naderi, and three children: Mehrdad, Mehran and Mitra. A biography of his life, *Triumph Over Discrimination* by Lylah Alphonse was published in 2000.



News

THE CYPRESS OF ABARKUH IN YAZD, IRAN: ONE OF THE WORLD'S OLDEST TREES

BY :
SHAROOZ ASH



One of the oldest living things in the world, the Cypress of Abarkuh in Iran, also known as the Zoroastrian Sarv and Sarv-e Abarkuh, has been speculated by botanists to be at least 4,000 years old!

Over the years, many researchers from Japan, Russia, China and Iran have tried to determine the tree's age. Speculations of it being up to 8,000 years old have been made, although most say the number is more likely to be around 4,000-4,500.

Abarkuh's Cypress Rings a Bell in a Poem

Persian historian and poet Hamdallah Mustawfi wrote about this ancient fountain of life in 1339AD, saying, "There stands a cedar which has great fame in world. Compared to its neighboring ones in Keshmir and Balkh, this one is bigger and taller..."

Throughout the long history of Persia, the cedar tree has played a very important role in

the design of Persian gardens and in many patterns and



designs. Whether it be in a stucco relief, painting or even a textile pattern, the evergreen cedar has been a very meaningful symbol in Persian culture. In Zoroastrianism, the cedar tree was of great value, due to its properties of staying green all year round, and it has often symbolically represented Zoroaster; hence the name Zoroastrian Sarv. Tree planting in Persia also dates back to time of Zoroastrian influence, when the tree was regarded as very sacred. There is a fairy tale about the tree, which says it was first planted by Zoroaster; others believe it was planted by Japheth, the son of Noah. It is hard to say if either story is true. However, we know that in Zoroastrianism and also in ancient Iran, the cypress was of great importance.

The Livelihood of Sarv-e Abarkuh

Of course, no tree can go on living and breathing for so many millennia and not gain massive stature. The Cypress of Abarkuh has done just that. Standing at a height of about 30 meters, it's even higher than some 10-story buildings! Its enormous trunk is approximately 4.5 meters thick, with massive branches as thick as 1.5 meters attached to it.



It is recognized by most sources to be the second or third oldest living non-clonal tree in the world.

Despite not having the number one ranking, it is actually one of the healthiest of the remaining ancient trees.

SOME ANCIENT IRANIAN HISTORICAL SITES THAT PRE-DATE THE ADVENT OF ISLAM IN IRAN

BY
...

The history of Iran can be divided into two parts: written and unwritten. The unpublished part consists of more than 8,000 years, confirmed by objects and historical artworks discovered in different parts of Iran. But the written and documented part of Iran's history starts at about 1250BC, and the most important document of this period is the temple of Choghazabil in Khuzestan.



Choghazabil Temple

An ancient temple complex in Khuzestan province, Choghazabil (or Tchogha Zanbil) is a mud-brick structure that still stands after 3,500 years. The temple was founded by the Elamite king Untash-Napirisha as a religious center around 1250BC. It is the largest ziggurat outside of Mesopotamia and the best preserved of this type of stepped pyramidal monument. This unique monument identifies the most prominent and distinctive features of the culture, beliefs and ritual traditions of one of the oldest indigenous peoples of Iran. It was the first Iranian ancient work recorded by UNESCO in 1979.



Pasargad Tomb

Pasargadae was the first royal Achaemenid capital in the province of Pars, founded on the orders of Cyrus the Great and dating back to 529BC. It is also the site of his tomb. Achaemenid architectural elements in this complex, such as gardens, palaces and temples, still attract the attention of the world. Pasargadae was the capital of the first great multicultural empire in Western Asia. Covering the eastern Mediterranean and Egypt up to the Indus Valley

in the east, it is considered the first empire to respect the cultural diversity of its different peoples, and this is reflected in the architecture at Pasargadae.



Persepolis

Persepolis is located 60km northeast of the city of Shiraz, in the province of Fars. Founded by Darius I in 518BC, it was the capital of the Achaemenid Empire. It was built on an immense half-artificial, half-natural terrace, where the king of kings created an impressive palace complex inspired by Mesopotamian models. The importance and quality of the monumental ruins make it a unique archaeological site. UNESCO declared the ruins of Persepolis a World Heritage Site in 1979.



Bishapur

Bishapur is located 125km west of Shiraz. This historic Sassanid city was located on the Pars route to Ilam, and along the path leading to the city of the Sassanid Estakhr and the capital of Ctesiphon. Bishapur was founded by Shapur, the second Sassanid



News

king, to celebrate his victory over the Romans in 260AD. The name Bishapur derives from Bay-Šāpūr, which means Lord Shapur. The most important feature of this city is the combination of Persian and Roman architecture not been seen before in any Iranian city. Before Bishapur was built, almost all major cities in Persia had circular shapes like the old cities of Firuzabad or Darab. The city is one of the first examples of architecture with vertical and horizontal streets, and Roman models were specifically used in the urban design.



Bisotun

The oldest and largest carved wall in the world dates back to the 8th/7th century BC and is 20m long, 6m high and 87m above ground. Bisotun is located along the old trade route from the Iranian high plateau to Mesopotamia and displays remnants of prehistory to mid-Achaemenid, Sassanid and Ilkhanid periods. The most important part of these carvings is Darius I's victory over his opponents, which is fully explained in pictures and writing. It is unique, being the only known monumental text of the Achaemenids to document a specific historical event, that

of the restoration of the empire by Darius I the Great.



Shahr-e Sokhta, Burnt City

The Burnt City is one of the symbols of the great civilization of the Sistan Plain, and is one of the greatest ancient cities of Iran's plateau. It is located in Sistan and Baluchistan Province, near the Zahedan-Zabol road. It was founded in 3200BC, and due to fires in two periods between then and 2750 BC, the city is known as the Burnt City. Recent excavations led to the discovery of a ruler with millimeter measurement units. Experts believe now that the ancient residents of the city used precise units for measurements and were skilled in areas of mathematics and geometry. The city was placed on the UNESCO World Heritage List in 2014.



Bam Citadel

The largest mud brick building in the world and an outstanding example of an ancient fortified settlement, Bam Citadel was about 180,000 square meters (44 acres) in size, with walls 6-7m high. It had 38 watchtowers,

four entrance gates and an outer defense wall surrounded by a moat. The origin of this enormous citadel on the Silk Road can be traced back to the Achaemenid Empire. Its heyday was from the seventh to the eleventh centuries, being at the crossroads of important trade routes and known for the production of silk and cotton clothing.



Shushtar Aquatic Structures

The Shushtar Historical Hydraulic System in Khuzestan can be traced back to Darius the Great in the 5th century BC. It involved the creation of two main diversion canals on the river Kârun one of which, the Gargar canal, still provides water to the city of Shushtar via a series of tunnels that supply water to mills. It forms a spectacular cliff from which water cascades into a downstream basin. It then enters the plain south of the city where it has allowed for the planting of orchards and farming over an area of 40,000 hectares.



Takht-e Soleyman

Takht-e Soleyman, also known as Azar Goshnasp (the Fire of the Warrior Kings), is an archaeological site in

West Azarbaijan, dating back around 3,000 years. It was the largest educational, social and religious center of Iran before Islam. But in 624AD, it was destroyed during an attack by the Roman emperor Heraclius. Takht-e Sulaiman was the main sanctuary and the most important site of Zoroastrianism, the Sasanian state religion. The site includes the principal Zoroastrian sanctuary partly rebuilt in the Ilkhanid (Mongol) period (13th century) as well as a temple of the Sasanian period (6th and 7th centuries) dedicated to Anahita.

The Siraf Port



An ancient city located in the central part of Kangan in Bushehr province, the port of Siraf was the first Sassanid-Islamic city in Iran to observe the peaceful coexistence of different peoples and nations. Historical evidence confirms that Bushehr, and particularly the port of Siraf, was the major center of Sassanid-Islamic maritime navigation in the Persian Gulf region, and seamen traveled from this area to other places around the globe and oceans. In ancient times, the Siraf was a Jewish city, and the main occupation of its inhabitants was the silk trade.

AN 2018 FEZANA AGM PLANNING UNDERWAY

...



We are pleased to report that planning for the 2018 FEZANA Annual General Meeting (AGM) -- hosted by the California Zoroastrian Center (CZC), in Westminster, California -- is well underway.

The three-day AGM will take place over the last weekend of April (April 27-29, 2018), with Pre-AGM activities planned for all day on Thursday, April 26. There will also be a post-AGM session on the afternoon of Sunday, April 29. See below for program schedule.

The venue for the AGM and all events, unless otherwise stated, is CZC Westminster (8952 Hazard Ave., Westminster, CA 92683).

Representatives from FEZANA Member Associations and Corresponding Members, as well as FEZANA Committee Chairs and Committee members are encouraged to attend. The meeting is open to the public; however, all attendees are requested to register enabling an accurate headcount for our hosts for



News

various planned events throughout the weekend. Please inform the FEZANA Administrative Office (admin@fezana.org) and the FEZANA Secretary (secretary@fezana.org) if you plan to attend. Visit <https://fezana.org/2018-fezana-annual-general-meeting>

for updated 2018 AGM info on the FEZANA website including transportation and hotel accommodation information. Contact the FEZANA Secretary or FEZANA Administrative Office with any questions. TENTATIVE SCHEDULE OF AGM WEEK-END ACTIVITIES

THURSDAY APRIL 26, 2018

PRE-AGM ACTIVITIES

10:00am -12:15pm

Jashan followed by presentation by North American Mobeds Council (NAMC)

2:00 - 5:00pm

Special presentations by FEZANA Committees

5:30pm

Social Event by CZC

FRIDAY APRIL 27, 2018

9:00am-5:00pm

FEZANA AGM DAY 1

6:00 pm

Dinner at ZAC-LA (1424 E. Walnut Ave., Orange, CA)

SATURDAY APRIL 28, 2018

9:00am-5:00pm

FEZANA AGM DAY 2

7:00pm

Gala Evening at CZC Westminster (\$)

SUNDAY APRIL 29, 2018

9:00am-12:30pm

FEZANA AGM DAY 3

1:00 pm

Boxed Lunch

3:00 – 5:00 pm

POST-AGM event:

WZCC meeting at CZC Valley Center in Los Angeles

“I FELT WELCOME ONCE AGAIN IN THE COMMUNITY”

BY:
LINAH BALIGA,
MUMBAI MIRROR

Funded by reformists, a Pune fire temple welcomes those who married non-Parsis. A group of reformist Parsis on Monday raised the banner of revolt against orthodoxy by inaugurating a fire temple in Pune that not only recognizes children of Parsis who have married outside the community, but also allows non-Parsis entry. The fire temple, where the eternal fire was lit by ten mobeds (priests), of which two are from Mumbai, has been funded by donors like top lawyer Fali Nariman, corporate head honcho Cyrus Guzdar, former advocate general and senior counsel Darius Khambhata, industry-alist Anu Aga and the Pirojshah Godrej Foundation. The Rs 2.5-crore fire temple, located in Pune’s Kondhva area, is likely to stir a controversy and will range the reformists under the umbrella of Association for Revival of Zoroastrianism against the orthodox who have for decades rejected reforms to protect the community’s racial purity. The inauguration, marked by a ‘jashan’ ceremony, was attended by over 100 Parsis and non-Parsis, some of whom were

ex-comm-unicated for marrying outside the community. Setideh Irani, 30, attended the opening service with her non-Parsi husband Manish Upadhyay and their nine-month-old daughter. Irani said she felt welcome in the community once again. “I am happy that I will be able to bring back my child and introduce her to my religion. One of the purposes of this fire temple is also to allow people from other faiths to learn about Zoroastrianism,” she said. Vispy Wadia, a reformist, said the community is facing extinction because those who have married outside the community are being discriminated against. “We firmly believe that Zoroastrianism is a universal religion. This fire temple will strive to ensure that there is no discrimination. More than being a bold step, it is a progressive step,” said Wadia. Wadia said the conflict between the liberals and the traditionalists boiled down to a “nonexistent racial purity” which the orthodox have held dear for centuries. “No race is pure or impure. We are pure and impure only by our thoughts. Over 40 percent of Parsis marry outside the community. This trend seems to have become irreversible now. Even our respected Dasturs and Vada-Dasturs (priests and head priests) have failed to guard their folk as their children have had inter-caste marriages too. It, therefore, makes sense to accept at least children and spouses of Parsis who have married outside the community as the declining population trend cannot be otherwise reversed,” said Wadia. The Parsi Zoroastrian population in India is diminishing fast and will

diminish faster in the years to come because 35 percent of Parsis are in the age group of 60 and above. In about 20 years, there will be no more than 20,000 Zoroastrians in India. More than 30 Zoroastrian Anjumans in various towns and villages of Gujarat and Maharashtra are defunct because there are no Zoroastrians left there. Carl Rodin, 22, Emily Rodin, 25, and Yakub Rodin, 18 flew all the way from Norway to be a part of the ‘jashan’. Their grandmother Meher Spanberg is a Parsi who married a Christian and thus had to forfeit the right to enter a fire temple. “It is wonderful to be witness to centuries-old traditions and this is our first time in a fire temple. We learnt about the importance of fire, the meaning of worship, and the goodness of this religion,” said Emily. Ave Mehta, a Parsi married to a Punjabi, said she had to perform her daughter Aibara’s ‘navjote’ in a private ceremony with the help of a liberal priest. “My daughter is now married to a Parsi,” she said. Mehta described the inauguration of the new fire temple as “a momentous occasion and a forward thinking decision to help up the dwindling numbers.” Dasturji Khushroo Fali Madon, who worked at the J D Agiary in Colaba for 20 years, headed the ‘jashan’ ceremony. “If you read the book of five ‘gathas’ or spiritual hymns composed by Zarathustra, it mentions that non-Parsis can follow our religion. Unfortunately, our so-called orthodox scholars think otherwise,” he said. The new fire temple will perform navjotes of children from inter-racial marriages and solemnize marriages and perform funeral rituals.

LIKE SUGAR IN MILK

SOURCE:
DOLLY DASTOOR
P.H.D, FEZANA
JOURNAL



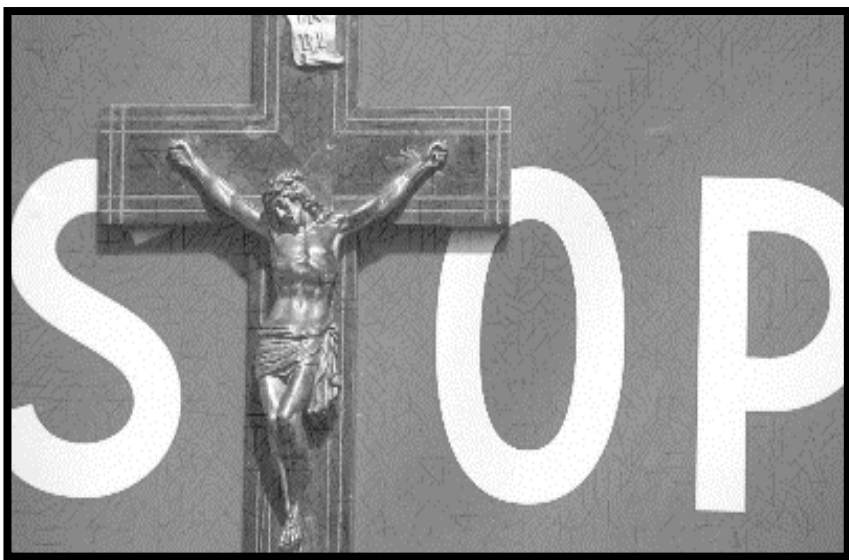
Majlend Bramo, a documentary photographer from Florence, Italy, who has been traveling to India since 2014, has produced a visual documentary of the Parsi community, in a book Like Sugar in Milk. It is a visual journey into the traditions, culture and religion of the Parsis, with the aim of documenting a valuable community that is unfortunately declining in numbers. Shernaz Cama of UNESCO Parzor has written the preface of the book, which is of great added value. It was published by Jak Printers in Mumbai at the end of February, but a pre-sale order of 300 books is needed to cover their printing costs. The cost per copy is INR 1800 (US\$28) in this phase and will be increased after pre-sale is over. Find out more at <https://www.majlendbramo.com/>. To order a copy, please contact Majland Bramo At photbramo@gmail.com. The book will make a good gift for all occasions.



News

WHAT HAPPENS TO YOUR BRAIN WHEN YOU STOP BELIEVING IN GOD

By: Caroline Beaton, originally published in Tonic



My belief in God didn't spontaneously combust—it faded. I lost my virginity at 16. I stopped going to church. I snuck out past curfew. As punishment, my mom made me memorize Bible verses, and I recited them like recipes. I wasn't the only kid who stopped believing. A record number of young Americans (35 percent) report no religious affiliation, even though 91 percent of us grew up in religiously affiliated households. Our disbelief was gradual. Only 1 percent of Americans raised with religion who no longer believe became unaffiliated through a onetime "crisis of faith". Instead, 36 percent became disenchanted, and another 7 percent said their views

evolved. It's like believing in Santa Claus. Psychologists Thalia Goldstein and Jacqueline Woolley have found that children's disbelief in Santa Claus is progressive, not instantaneous. First kids think that the Santa in the mall or library is real, then they think he's not real but still magically communicates with the actual Santa, and so on,

until they finally realize that Santa is composed of costumed actors. "Kids don't just turn [belief] off," Goldstein says. Likewise, losing faith happens in pieces. I used to love this illustrated children's Bible my mom gave me. Long-faced Jonah inside a yawning blue whale felt warm and right. My brain made these feelings. When we enjoy religious or associated experiences, like snuggling up with Mom reading the Bible, our brain's reward circuits activate. Over time, religious ideas become rewarding in and of themselves. This is a powerful, unconscious motivation to keep believing. "Religion works exactly like a drug—like cocaine, or methamphetamine—or like

music, or like romantic love," says Jeffrey Anderson, a radiology professor at the University of Utah who studies religion in the brain. "All of those experiences on some level tap into rewards. The physiology is really the same." When I began to see my colorful Bible as boring and childish, those same reward circuits likely became less active. Religious experiences produced less pleasure. This happens involuntarily in people with Parkinson's disease, which compromises the brain's reward centers. In turn, Anderson tells me, people who develop Parkinson's are much more likely to lose their faith. In sixth grade, I learned that humans evolved over six million years, not seven days. Ironically, the brain's evolution is what enables us to believe in religion at all. Most components of religious belief are stored in the most evolved region of the brain, the frontal lobe. This may explain why religion is uniquely human. For many years I believed in both creationism, with a God whose hand I could shake, and evolution, a cold, scientific world that cared nothing about me. Because when we lose faith, our brain's preexisting belief networks don't dissolve. They're updated, like a wardrobe. "Even if someone abandons or converts [religions], it's not like they're throwing out all

the clothes they own and now buying a whole new set," says Jordan Grafman, director of brain injury research at the Shirley Ryan AbilityLab and a professor Northwestern University. "You pick and choose what you leave and what you keep." New beliefs join the same neurological framework as old ones. It's even possible that an existing belief network paves the way for additional beliefs. Woolley has found that kids who believe in fantastical beings are more likely to believe in new ones invented by researchers. "I think it's because they already have this network that [the new belief] kind of fits into," she explains. Sometimes the new beliefs resemble the old ones; sometimes they don't. As I tried to reconcile my belief in God with my growing knowledge of the natural world, I drew arbitrary distinctions. God couldn't see me poop but he could hear me pray, I decided. Eventually I couldn't figure out how, physically, he could do either. This scientific descent from religion is common. Pew's 2016 survey on why now-unaffiliated Americans lost faith yielded explanations such as, "Rational thought makes religion go out the window," "Lack of any sort of scientific or specific evidence of a creator," and "I'm a scientist now, and I don't believe in miracles." But it's not just science that sways our beliefs; it's the culture of science. Others' testimony critically influences our belief systems. We arduously convince young

children to believe in Santa, and they do. Testimony dictates religious beliefs, too. For example, psychologist Rebekah Richert has found that if you frame a fantastical story as a religious story, children raised in religious households will believe it. If you don't frame it religiously, they'll call your bluff. When we get to college, however, cultural testimony changes. An analytical, scientific view reigns, and there's little room for God. We staggered home from parties pontificating on the pointless evil of Western religion. We made friends by cynically confessing our doubt. College is "very likely to challenge the more conservative belief systems we have in our brains," Grafman says. It deflates our adolescent faith. When we finally break up with religion, we rebound. Eventually, non-religious people who once had religious epiphanies get those same feelings from being in nature, or from seeing profound scientific ideas expressed, Anderson says. "The context changes but the experience doesn't." Most non-religious people are "passionately committed to some ideology or other," explains Patrick McNamara, a neurology professor at Boston University School of Medicine. These passions function neurologically as "faux religions." For me, I like to think of my religious roots as overgrown but not buried. In some improbable way, I hope whoever they represent is watching me learn.



Gatha

SCIENCE AND SPIRITUALITY

BY
MOBED BEHRAM
S. DEBOO

The word science evokes a deep curiosity about all things that exist within and without, here and beyond. Many great scientists have defined it in so many ways that it would be impossible to mention them all. However, let us see what Carl Sagan has to say: "Science is a way of thinking much more than it is a body of knowledge." This one sentence sums up the whole body of science. In a letter to Hans Mühsam dated July 9th, 1951, an elderly Albert Einstein observed: "One thing I have learned in a long life: that all our science, measured against reality, is primitive and childlike — and yet it is the most precious thing we have."

Spirituality exists on the personal level. It does not manifest in thought and words only, but in deeds performed to further humanity in a more compassionate spectrum so that we all can look at another human being with our soul's eyes.

Spirituality is consciousness of the awakened state of our deeper inner being.

This reminds me of a prayer called Vispa Humata. This is a prayer to be recited after praying Khorshed and Mehr Niyaesh. Both prayers are dedicated to the universal energy of the sun and divinity (celestial light) embedded in it. The prayer is in Avesta and

done are performed by the awakened consciousness. Baodho means awakened consciousness. Well here means good, pure and righteous. Vispa means all. In Sanskrit, it is Vishva.

2. All that is not well-thought, all that is not well-

beneficial, productive and constructive. (B. Deboo).

Here, we see the awakened soul in its existentialism entwined with spirituality. It arises from our mental consciousness which looks within the soul for more clarity. So spirituality is enmeshed with the mind and soul. It looks at science and wonders through its eyes about the enormity of the cosmos, nature and all that exists in its incomprehensible complexity, from a living cell to giant species. Thus, science plays an important role in unfolding the unknown facts. At times, science can't be exact, especially, when it comes to theoretical science and quantum science that is often not amenable to experimental proof. Einstein's Theory of Relativity is confirmed by scientific methods. Then we look at science with awe and wonder.

The most important point is that science changes as the base of knowledge increases. This we know from the fact that the Newton's absolutism of time and space was overturned by Einstein's relativity theory. So it is a good thing that science can change for the betterment of the world, rather than remain stuck in one dimension. Spirituality varies from individual to individual. It is subjective to the pursuit

of values, reality and understanding through individual consciousness.

What it is spiritual not to do in one culture may be not so in another culture. For example, Hindus do not believe in killing cows, but that is not the case in Western countries where beef is part of an everyday diet. For this reason, what is moral and immoral is more subjective than objective, though we know that killing an animal is not good. However, in nature, one life's end is the meal of another creature. How can we explain that or even justify that?! In the natural world, one species survives over the others by consuming another species. This is very ironic, given the human emotions of mercy, compassion and caring. Your spiritual consciousness may question why an innocent fawn or deer could be a meal for a tiger or a lion. However in nature, the rule of survival of the fittest does operate.

There is no clear answer from a humanitarian viewpoint. It is what it has been for many millennia. How can we change a hawk attacking a small bird for its meal? Is nature kind? I don't think so. They are all victims of evolution that took place over generations after generations. Our own ancestors were carnivores. They survived on hunting



called VISPA HUMATA.
(google image)

1. Vispa Humata, Vispa Hukhta, Vispa Havershta Baodha-varshata;
2. Vispa Dushmata, Vispa Duzakhta, Vispa Duzvarshata Noit boadhovarshata.
3. Vispa Humata, Vispa Hukhta, Vispa Havershta Vahisitem Anghuim ashaeta.
4. Vispa Dushmata, Vispa Duzakhta, Vispa Duzvarshata Achisitem Anghuim Ashaeta
5. Vispanamcha Humatanam Hukhtanam Havareshtanam Vahishta Anghui; Aat hacha chithrem ashaone. Ashem Vohu (1).

Translation:

1. All (that is) well-thought, all that is well-spoken and all that is well-

spoken and all that is not well-done are not performed by the awakened consciousness. Here not well means bad or evil.

3. All that is well-thought, all that is well-spoken and all that is well-done bring about the best existence. Here Vahisitem anghuim means Baheshte barin. It leads all persons to the best physical as well as spiritual existence.

4. All that is not well-thought, all that is not well-spoken and all that is not well-done bring about the worst existence physically and spiritually.

5. All good thoughts, all good words and all good deeds bring the best existence which the righteous people know it as such. Here good means



Gatha

until fire, the wheel and the plough were invented. So we are in constant in flux, as Buddhism says.

There are times where people have fallen for pseudo-science and pseudo-spirituality, which is unfortunate, and the reason is unquestioned faith in a personality and what it offers. Such examples are numerous throughout the world. That's why in Yasna 30.2, Zarathushtra wants us to listen with our ears and an awakened mind and then decide on our own. Thus, he gives us Free Will to act with consequences in mind.

In Yasna 31.7, Zarathushtra talks about the beginning of all science that came about in the very existence through the mind and wisdom of Mazda.

ýastâ^{1,2} mañtâ³ pouruyô⁴ raochêbîsh⁵ – rôithwen⁶ hvâthrâ⁷ hvô⁸ khrathwâ⁹ dâmish¹⁰ ashem¹¹ – ýâ¹² dêrayat¹³ vahisstem¹⁴ manô¹⁵, tâ¹⁴ mazdâ¹⁵ mainyû¹⁶ ukhshyô¹⁷ – ýê¹⁸ â¹⁹ nûrêmchît^{20,21} ahurâ²² hâmô²³.

He² who¹ in the very beginning⁴ conceived³ the thought³, “Let the light⁷ stream through the expanding spaces⁶ to generate stary firmaments⁵ (cosmoses).” With wisdom⁹, He⁸ created¹⁰ the cosmic

order¹¹ through which¹² He upholds¹³ the best mind (best creative, cosmic mind). This¹⁴ (creation), O Mazda¹⁵, is still growing¹⁷ through (your creative) spirit¹⁶ which¹⁸, O Ahura²² has remained the same, ²³ indeed²¹, up to¹⁹ now²⁰. (B. Deboo)

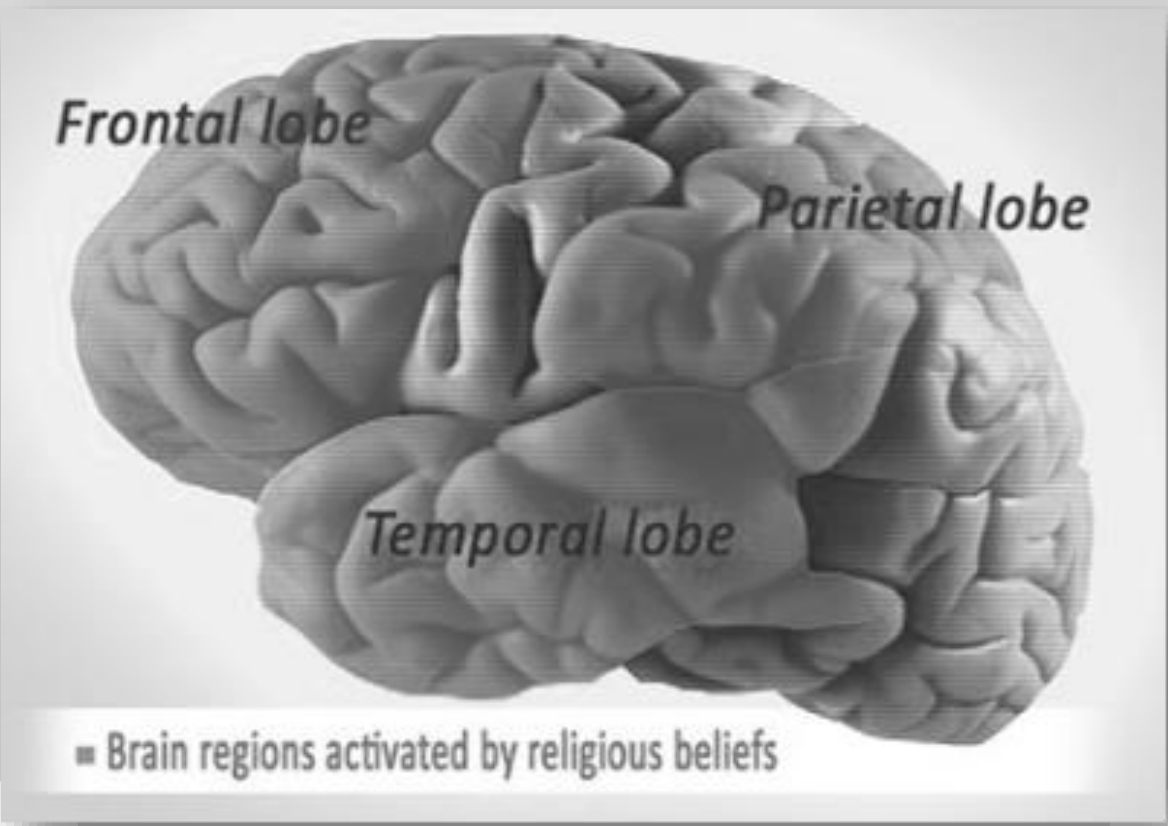
This verse clearly indicates that the cosmos came into existence through the mental activity of Ahura Mazda. Through His creative mentality, the whole of creation came about. So He is, indeed, the Light of all lights. His spirit in the continual growth of creation is not exhausted but has

(Google image). remained the same. Therefore the fire of Mazda is, indeed, the symbol of the Zoroastrian Daena, which is Vanghuhim. In Jasame-Avanghe Mazda, all

Zoroastrians say: Astuye Daena Vanghuhim, I pledge to the religion of good consciousness. Therefore, technically all Zoroastrians are Din-e-vehi, i.e. Behdin – committed to the practice of the religion of good conscience. The behdins are divided into priestly and non-priestly classes. Healing science has made an enormous progress for the human body but at the same time, physicians do recognize the value of spirituality through prayer. Research has shown that those who pray recover faster from an illness than those who do not pray. The highest aim of spirituality is the merging of the soul

We concur from Gathas that Zarathushtra did achieve this pinnacle of spirituality. We do not see the earth rotating on its own axis at 1041.7mph or orbiting the sun at a speed of 69,360mph. Instead, we observe the effect of the motion, such as day and night, and the seasons. Just imagine: it takes light eight minutes to travel from our sun to our earth, moving at a speed of 186,000 miles per second. A distance moved in one year at such a speed is called one light year. Many of our galaxies, stars and black holes are billions of light years away from us. Our vision of the universe is limited. We can never catch

make us feel humble and spiritual. Science has helped us to eradicate the superstitious belief systems that were passed on from generation to generation. For example, I vividly remember as a young boy people telling me ‘mata ali’ the goddess mother had come when one was infected with smallpox. We know that that’s not true. In some African countries, men believed that raping a woman could cure their HIV. These ideas are utter nonsense. Another misconception has been generally understood by the ignorant public regarding the behavior of LGBT. It’s not an acquired trait but rather genetic makeup. Similarly many ailments have been assigned to the genes we have inherited. Thus, science clarifies the notions we had before scientific investigation. Science has given us technology that is also very destructive. All kinds of war games, poison gas, atom bombs, hydrogen bombs and other devices can destroy us. However, it’s our spirituality that can save humanity from destruction. Because spirituality is love, comp-assion and caring that will only help humanity to survive as a whole system.



with the Divine. When scientists performed brain scans after prayer and meditation, they found the illumined parts of the brain and called them “God Spots”.



Humanity

ONLINE PROTESTS AS IRANIAN ZOROASTRIAN COUNCILLOR SUSPENDED

SOURCE:
BBC NEWS

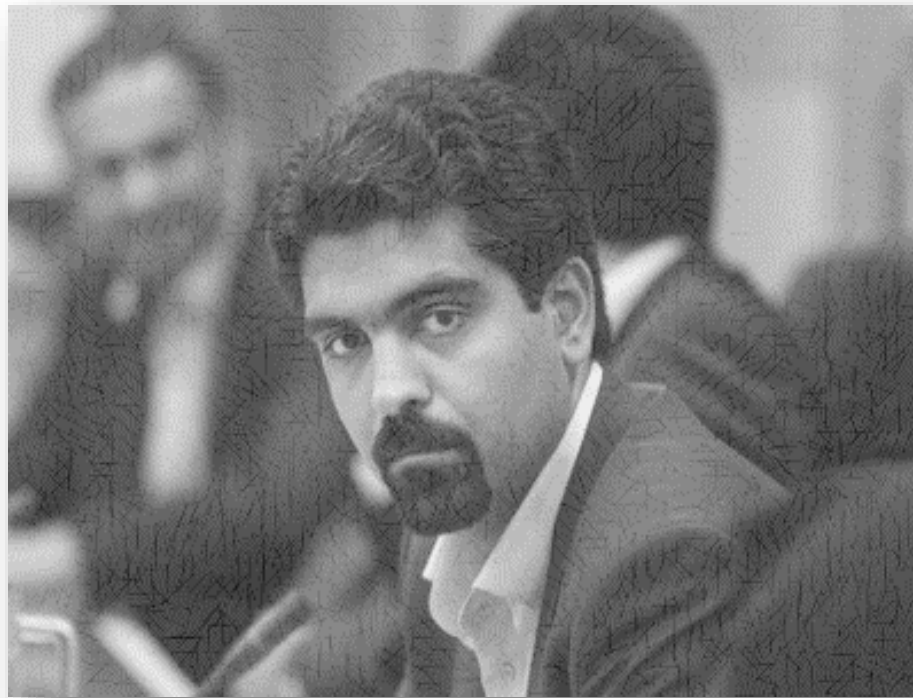
October 2017 - The suspension of Sepanta Niknam, an Iranian Zoroastrian councillor [councilman] suspended on religious grounds, has polarized opinion among senior officials of the Islamic Republic and led to a campaign on social media calling for him to be reinstated.

#Sepanta_Niknam has been used more than 8,100 times on Twitter since the decision by a senior court ruling Niknam could not take his seat in Yazd, a Muslim majority city, despite winning election earlier this year.

nam is one of approximately 25,000 Zoroastrians living in Iran, a predominantly Shia Muslim country of 80 million residents, while Yazd is home to Iran's second-largest Zoroastrian community, after Tehran.

Some critics of his suspension pointed out the Iranian constitution recognizes Zoroastrianism as a legal faith and allows Iranian Zoroastrians, Jews, Christians, Assyrians, Chaldeans and Armenians to each elect one MP to the national parliament. Niknam was elected, with more than 21,000 votes, for a

second successive term in May



as one of the 11 members of the Yazd City Council.

A complaint was lodged by a losing conservative candidate in September on the grounds of Niknam's religion, arguing it was not in keeping with Iran's constitution for a member of a religious minority to make decisions on behalf of the whole population of a majority-Muslim city.

Iran's Administrative Court suspended Mr Niknam and referred the matter to the Guardian Council, the country's powerful election watchdog, who agreed with the suspension.

One Guardian Council cleric told reporters the verdict was "definite".

However, Ali Larijani, the speaker of Iran's parliament, said Mr Niknam's suspension was "illegal", promising to pursue the case.

Esfandiar Ekhtiari, a Zoroastrian MP, said the decision could "set a precedent", affecting "all future elections".

"Empty seat of 21,717 votes"

In a video widely shared on social media, Gholamali Sefid, chairman of the Yazd City Council, said he would not "execute this decision", and "if this verdict becomes permanent, someone else must replace me to uphold it."

Venus Ameri, a fellow member of the Council, posted a photo on Instagram of her colleague's empty chair during an official session, adding: "The empty seat of 21,717 votes in today's session of the city council."

Mehdi Hajati, a member of the Shiraz City Council, posted a video on Twitter of his speech in defence of Mr Niknam, saying the court ruling "if allowed to stand, will be a

mockery of Iran's constitutional and ordinary laws, and will imperil any election in the future." Mehdi Moghaddari, a councillor from Isfahan, also raised his concern on Twitter. "I believe I should do to others as I would have them do to me," he tweeted.

A number of users pointed to stark differences in the treatment of religious minorities in other parts of the world, with some citing London Mayor Sadiq Khan.

Sadegh Zibakalam, a well-known university lecturer and reformist commentator, tweeted: "A faithful Muslim is the mayor of London while in Yazd, Sepanta Niknam has been expelled from the city council because he is a Zoroastrian. They are non-religious while we are worshippers of God."

A letter to Speaker Larijani, signed by four MPs representing the province of Yazd, was also shared by users. In it, the MPs argued against "any discrimination and inequality against Iranians from every creed, race or religion."

One user questioned whether religious minorities should

refrain from defending their country in war on religious grounds: "What does it mean for a Zoroastrian to defend their majority Muslim country?"

Mohammad Ali Abtahi, a reformist cleric and former vice-president, shared a photo on Instagram of a gathering of several high-profile clerics – including former President Mohammad Khatami – saying all those in the meeting had expressed "serious regret" over Mr Niknam's suspension.

"The Islamic Republic's constitution is clear in recognizing the rights of religious minorities," he added.

Reacting to his suspension, Mr Niknam said he was the "real winner" and had "become more popular and better-known".

"I hope those in charge look at the broader picture and genuinely respect the public's vote, as they claim to," he added.

Despite this, Mr Niknam remains suspended.

Update: According to the IRNA: "On Nov 26, Iranian legislators approved double urgency of a bill for membership of religious minorities and the bill secured 154 yes votes, 23 no votes, and 10 abstention. A total of 204 lawmakers were present at the parliament session."



Culture & History

FIRST DASTOOR MEHERJIRANA LIBRARY: THE OXFORD OF GUJARAT

EXCERPTED FROM AN ARTICLE BY KHORSHED DEBOO, ORIGINALLY PUBLISHED IN LIVE MINT



The restoration of the holdings of the 145-year-old First Dastoor Meherjirana Library in Navsari is an exercise in reclaiming the illustrious history of Parsis in India.

I never saw such a fine collection in a small town, and it does honour to the generosity of the donors and to the zeal for instruction of the Parsi population at Navsari. This visit will remain one of the best remembrances of my short occasion in the Parsi mofussil.

This inscription, the first entry in the guestbook of Navsari's 145-year-old First Dastoor Meherjirana Library, scrawled in the lithe, oblique hand of James Darmesteter, a French Orientalist, translator and scholar of Iranian philology and Zoroastrianism, dates back to January 1887.

The son of a Jewish bookbinder, Darmesteter was elected chair of Iranian languages at the Collège de France in Paris in 1885. He traveled to India the next year to trace the origins of a few Pashto ballads. His 11-month-long itinerary included excursions to the Punjab, Peshawar and Abbottabad and brief halts in

Bombay (now Mumbai) and Navsari.

An article he wrote on Bombay's oldest French library, Le Cercle Littéraire

Bibliothèque Dinshaw Petit, located on Forbes Street (today V.B. Gandhi Marg in the Kala Ghoda precinct), published in *Les Journal Des Débats* in November 1891, testifies to his visit to this thrumming commercial centre of colonial India.

But what drew Darmesteter to Navsari, a sleepy town in Gujarat surrounded by chikoo plantations, about 250km from Bombay?

I first came to Navsari in 2015, looking for a house that had belonged to my paternal great-grandfather. The nationwide construction boom is visible here too as the town steadfastly embraces change—pastel-hued, one-storeyed houses with spacious otlas (porches) are now transforming into modest apartment blocks; grocery shops are making way for ritzy showrooms.

When I went back in August this year, I made sure to stroll through the town, taking in the details—dense gulkand ice cream at the Yazdan Cold Drink House, the swathe of green that is Tata Baug, and the striking façade of the library on an arterial street.

It is believed that Parsi migrants settled in Navsari in the 12th century, some 400 years after their arrival on the shores of Sanjan. It is also believed that Navsari has the oldest existing fire temple outside of Iran, the Vadi Dar-e-Meher, consecrated between 1140-60—the exact date is contentious. It is revered as the most important centre of priestly learning in India, especially for those ceremonies that ordain priesthood. Navsari is so important to Parsis as a centre of learning, with the Vadi Dar-e-Meher being a key center for initiation into priesthood, that in his Gujarati book *Tawarikh-e-Navsari* (1897), historian and sociologist Sorabji Mancherji Desai compares it to Oxford University. The foundation of a library in this town of scholarship and erudition was perhaps only to be expected. The First Dastoor Meherjirana Library was established in 1872 in the town's Dastoor Vad precinct, and is home to about 630 manuscripts written in Avesta, Gujarati, Pahlavi, Pazand, Persian, Sanskrit and Urdu. "Back then, it functioned as a kitab khana

(or the space of a library-workshop; also known as khizana-al-kutub) where human and material resources were accumulated in order to manufacture manuscripts," says Katy Antia, chairperson of the library's board of trustees.

In 1872, Navsariwala Seth Burjor Bamanji Padam, a wealthy Parsi gentleman, gave Rs225 to construct the library. But soon there were too many books; a larger space was needed. In 1906, Jamshedji Kavasji Dastoor Meherji Rana gifted the building he owned in Tarota Bazaar, and the library still stands here today. An annexe was erected in 1967 after a donation of Rs16,000 by Seth Rustomji Hormusji Kolah. Kolah's family were the original makers of the fêted brewed cane vinegar (sarko) and fish roe pickle (gharab nu achaar) that Navsari is known for. One of the outlets of the 132-year-old EF Kolah & Sons, in fact, is a stone's throw from the library. In 2009, using funds from the Sir Dorabji Tata Trust, a new building adjoining the existing structure was constructed. The library now has a reading room, a conference hall, accommodation for visiting scholars and a laboratory for the conservation of manuscripts. It was the second library in India to house important Zoroastrian manuscripts, founded 15 years after the

establishment of the Mulla Feroze Library in Mumbai. The library's repository of manuscripts is impressive and wide-ranging—it includes sanads belonging to the Mughals; an Indo-Persian cookbook titled *Kitab al Ma'qulat va'l Mashrubat*; recipes from Unani medicine in Gujarati; *Outlines Of Zend Grammar in Avestan*; and copies of the 19th-century illustrated and lithographed *Shahnameh*, a Persian epic by Firdausi first completed in 1010. It is also home to printed publications such as volumes of *Parsee Prakash*, a record of the obituaries of prominent Parsis; the collected works of Friedrich Max Müller, including *Chips From A German Workshop and India: What Can It Teach Us?*; and parts of *Harmsworth Popular Science*, a British fortnightly on science and innovation first published in 1912. There are books on science, philosophy and popular literature, autobiographies and encyclopedias. The library is often open until midnight, with students using the reading room free of charge. It is a space open to members of all communities.





General

LEGACY OF THE PHRYGIAN CAP

.....



The history of headwear in human culture is as remarkable for its diversity of display and function as is the history of clothing. Though it is of course difficult to discern when the use of hats or head-coverings originated because of a scattered archaeological record, we may assume that humans have been devising ways to protect and adorn the head as long as they have been covering the body for the same purposes.

One style of headwear that has had a particularly illustrious history is the Phrygian Cap. It is a red cap with a conical, bulbous form that has its origins in the culture of the Aryan tribes that descended into Persia towards 2000BCE.

It was named for a former region of ancient Anatolia and an early representation of its connection to the Persian culture can be seen in a relief depicting the Aryan god Mithra donning the Phrygian hat in an encounter with King Antiochus, dating from the first century BCE.

The god Mithra, derived from the Indo-European *mihra* meaning friendship or contract, was the representative god of just contracts and solemn oaths. The significance of the god wearing the Phrygian cap would be met by an increasing symbolism invested in the cap at later points

in history.

For the ancient Greeks the Phrygian cap was associated with foreignness and non-Greek influence, while the ancient Romans gave the Phrygian cap further meaning by making it the headwear designated for freed slaves.

It became a distinguishing mark of liberty for subsequent periods in history as well, during the American Revolution and more notably during the French Revolution.

During the French Revolution, the Phrygian cap was appropriated as a symbol of the movement for social and political revolt against the monarchy. The 'bonnet rouge' became a widespread symbol of



revolution, adorning sculptures and public spaces in France at the end of the 18th century and becoming part of the costume of those who identified with the movement.

The Phrygian cap remains a symbol of the ideals of the Revolution and is worn by France's emblem, the figure of Marianne.

The American Revolution also appropriated the Phrygian cap as a symbol of liberty, although perhaps it does not remain as significant to our visual historical memory as it does to the French culture.

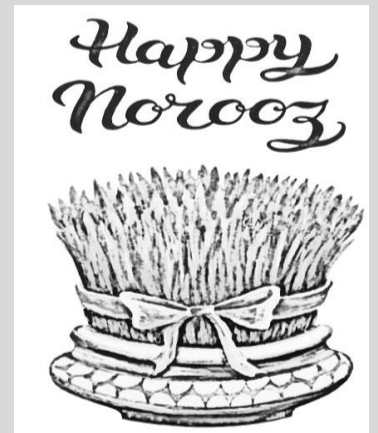
Still, the Phrygian cap can be



seen in the state seals of New York, West Virginia, and New Jersey, as well as in the official seal of the United States Senate and in the U.S. Army's official War Office Seal.

GET A FREE PERSIAN OR PARSI COOKBOOK

When you subscribe to the FEZANA Journal, gift or renew your subscription



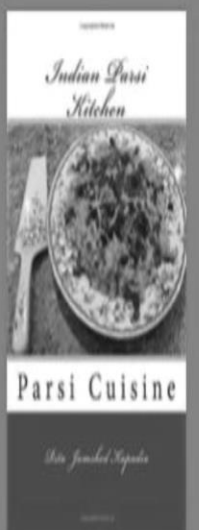
GET A FREE TRADITIONAL COOKING RECIPE BOOK

WHEN YOU SUBSCRIBE TO THE FEZANA JOURNAL, GIFT OR RENEW YOUR SUBSCRIPTION

FEZANA

- Two years Digital subscription \$50
- Three years Digital subscription \$69
- Two years Print subscription \$70
- Three years Print subscription \$99

Offer available while supplies last



SUBSCRIBE AT WWW.FEZANA.ORG

Cookbooks with compliments of IZA Iranian Zarthushti Association and

www.ParsiCuisine.com





Registration Now Open!



zoroastrian sports committee

ZOROASTRIAN GAMES

Early Bird Registration | March 5th - April 1st

Second Registration Deadline | April 2nd - April 29th

Third Registration Deadline | April 30th - June 3rd

FOLLOW US ON FACEBOOK (ZOROASTRIAN SPORTS COMMITTEE) OR VISIT WWW.ZATHLETICS.COM FOR THE LINK TO REGISTER



www.zathletics.com \\ @zsports \\ #zgames18

پیشکش فرهنگی به دوستداران فرهنگ ایران
15 cultural songs and their music notes are available for free access.
<http://digitalcommons.cwu.edu/kaviani/>



سروده ها: دکتر خداده (خدای) کویانی, Ph.D.
Vocals: Nooshafarin, Haideh, and Khodi
Music: Saeed Shahram
Website: www.khodi.com Email: Khodi1@corncast.net

New Illustrated Book



Norooz with my family.
Available at Amazon Books



11th World Zoroastrian Congress 2018

Perth, Australia
June 1st - 4th
2018

Day 1
Friday, 1st June 2018
Optional sightseeing in Perth
Registration
Religious Jashan
Opening Ceremony
Networking
Entertainment
Dinner



Day 2
Saturday, 2nd June 2018
Conference Speakers
Presentation
Religious & Youth Panel Discussions
Lunch
Activities
Networking



Day 3
Sunday, 3rd June 2018
Conference Speakers
Cultural Presentations
Panel Discussions
Lunch
Award Presentation
Gala Night
Entertainment
Dinner



Day 4
Monday, 4th June 2018
Optional Networking
Optional sightseeing in Perth
Depart with fond memories
of the 11th World Zoroastrian Congress
'Together Towards Tomorrow!'



The 11th World Zoroastrian Congress 'Together Towards Tomorrow'

A once in a life time experience with fantastic speakers, dynamic panel discussions and breakaway sessions on religious, youth, cultural topics. Plus entertainment, gala dinners and optional tours in Perth, Sydney, Melbourne, Gold Coast and New Zealand



+61 08 9221 2400
www.11wzperth.com.au
info@wzperth.com.au

Looking forward to seeing you and your family here!



NATIONAL CHOICE
LAWYERS

"Rapid. Reliable. Results."

Koorosh K. Shahrokh, Esq.
Managing Attorney

- Car Accidents
- Defective Products
- Medical Malpractice
- Dental Malpractice
- Birth Injuries
- Brain Injuries
- Wrongful Death
- Mesothelioma
- Premises Liability
- Truck Accidents
- Employment Law
- Nursing Home Abuse
- Business Litigation
- Disability Claims
- Burn Injuries
- Appeals



We will represent you from intake through trial.

Your case is never too big or too small for us to handle.

We will not charge you any fee if there is no recovery.

We will return all your telephone calls and e-mails and keep you informed about your case.

کوروش کیخسرو شاهروخ

Koorosh Kaikhosrow Shahrokh, Esq.

CALL NOW FOR A FREE CONSULTATION

6345 Balboa Boulevard
Suite 273, Los Angeles
California, 91316

1-877-682-4652

Tel: (818) 996-7301 www.NationalChoiceLawyers.com

Fax: (818) 996-7302

Mr.K@NationalChoiceLawyers.com

GET GOING AGAIN!